چگونه فرزندان باحیا داشته باشیم؟

صمد شاه محمدپور



چگونه فرزندان باحیایی داشته باشیم؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : شاه محمد پور، صمد، 1355 -

عنوان و نام پدیدآور : چگونه فرزندان باحیایی داشته باشیم؟/ نویسنده صمد شاه محمدپور؛ [برای] موسسه مطالعات و پژوهش مدیریت راه روشن.

مشخصات نشر : قم: میراث انبیاء(ع)، 1395.

مشخصات ظاهری : 69 ص.؛ 14/5 ×21/5 س م.

شابک : 150000 ریال:978-600-96458-3-1

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : خجالت

موضوع : Bashfullness

موضوع : والدین و نوجوانان

موضوع : Parent and teenager

موضوع : نوجوانان -- روان شناسی

موضوع : Adolescent psychology

موضوع : عفت

موضوع : Chastity

موضوع : حجاب

موضوع : Hijab (Islamic clothing)

موضوع : خجالت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Bashfulness - Religious aspects-- Islam

موضوع : تربیت اخلاقی

موضوع : Moral education

موضوع : تربیت خانوادگی

موضوع : *Domestic education

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : Islamic ethics

شناسه افزوده : موسسه مطالعات پژوهش مدیریت راه روشن

رده بندی کنگره : BF575 /خ3 ش26 1395

رده بندی دیویی : 155/232

شماره کتابشناسی ملی : 4548727

شماره تماس جهت سفارش کتاب:

09197704270

http://www.inraheroshan.ir

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

فهرست

مقدمه ۱۳

بخش اول

حیاء چیست

معنای حیاء چیست؟ ۱۷

رابطه حیاء و خجالت چگونه است؟ ۱۸

ابعاد مختلف حیاء ۱۹

بُعد فردی حیاء ۱۹

بُعد اجتماعی حیاء ۲۷

چه رفتارهای اجتماعی آمیخته به حیاء را به فرزندان پسر آموزش دهیم؟۲۸

چه رفتارهای اجتماعی آمیخته به حیاء را به فرزندان دختر آموزش دهیم؟..۳۷

بُعد الهی حیاء .. ٤۲

رابطه حیاء و عفاف چگونه است؟ ٤٥

الگوی ساختاری و شخصیت محوری عفاف چگونه است؟ ٤٦

مرحله اول؛ عفت در فکر ٤٦

مرحله دوم؛ عفت در کلام ٤٧

مرحله سوم؛ عفت در شنیدن ٤٩

مرحله چهارم؛ عفت در نگاه ٥٠

مرحله پنجم، عفت در پوشش ٥٣

مرحله ششم؛ عفت در زینت و خودآرایی ٥٤

مرحله هفتم؛ عفت در روابط با نامحرم ٥٥

بخش دوم

فاصله سلامتی چیست؟

فاصله سلامتی به چه معنایی است؟ ٥٩

چگونه فاصله سلامتی را برای فرزندانمان شرح دهیم؟ ٦٠

اعضاء خصوصی بدن..... ٦١

تشویق و انگیزه دهی.

بخش سوم

متانت چیست؟

متانت یعنی چه؟ ٦٧

اموری که باید در آنها متانت داشته باشیم، شامل چه مواردی است؟ . ٦٩

احساسات ٧٠

لذتگرایی ٧٠

ارائهٔ زیبایی ۷۲

ص: 6

بخش چهارم

حجاب چیست؟

حجاب چیست؟.....۷۹

ابعاد حجاب ۸۰

کاربرد حجاب چیست؟ ۸۰

دامنه حجاب چگونه است؟ (دلایل حجاب خانمها) . ۸۱

حجاب در مکانهای مختلف، چگونه است؟ ۸۲

بخش پنجم

سخنی با مادر

سخنی با مادر۸۷

بخش ششم

سؤالات با اهمیت پیرامون حجاب

دلایل بدحجابی در جامعه امروزی کشور ما چیست؟ . ۱۰۱

علل تبلیغ بدحجابی در ایران، توسط متولیان فرهنگ غربی چیست؟. ۱۰۸

علل تأکید بر حجاب و پوشش ظاهری چیست؟ ۱۱۰

چگونه حجاب را برای فرزندان پسر تبیین کنیم؟ ۱۱۳

چگونه حجاب را برای فرزندان دختر تبیین کنیم؟ ۱۱۳

سخن پایانی..۱۱٤

منابع 117

ص: 7

ص: 8

سخن نویسنده

خواننده محترم؛ کتابی که پیش رو دارید، یک جلد از کتاب «چگونه فرزندان باحیاء داشته باشیم؟» است.

نگارش کتاب حاضر بهنحوی است که کاملاً ساده و کاربردی به موضوع یاد شده میپردازد و با ذکر مثال و ارائه پیشنهادات مختلف به والدین عزیز یاری میرساند.

البته لازم به ذکر است در تمام مراحل نگارش، جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی فرزندان در نظر گرفته شده است.

کتابهای این مجموعه برای استفاده والدین در جهت راهنمایی فرزندان از دوره ابتدایی تا انتهای دوره دبیرستان تهیه شده است.

البته کتابهای این مجموعه با وجود مشترک بودن جمعیت هدف، از نظر موضوع دارای مطالب مستقلی میباشند.

عناوین این کتابها عبارتند از:

- چگونه فرزندان باحیاء داشته باشیم؟

- چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟

- چگونه فرزندان متعادلی در دوران بلوغ داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان موفقی در تحصیل داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان باهوش و خلاق داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان خود را درک کنیم؟

- خودآگاهی

شاید بتوان گفت این کتابها مجموعهای است آموزشی تا والدین ضمن فراگیری موضوعات مختلف از زندگی فرزندان و آشنایی با بخشهای متنوع آن، با مباحث مهم تربیت فرزند بهنحو کاربردی نیز آشنا شوند.

موفقیت و سرافرازی همه ایرانیان عزیز، آرزوی من است.

ص: 10

سپاسگزاری

نگارش و تدوین این مجموعه کتابها بدون کمک همکاران و دستیاران من انجام نمیشد.

از خانم هانیه خزایی که سخنرانیهای مرا پیادهسازی نموده و مطالب را دستهبندی و با دقت نظر ویرایش کردند، بسیار متشکرم.

همچنین از خانم فاطمه کرمی بابت آمادهسازی کتاب برای چاپ و طراحی آن سپاسگزارم.

از همسرم برای همه عشق و محبتی که نثار من کرد و در پیشبرد این مجموعه کتابها مشوق من بود؛ و از فرزندانم امیرحسین و علیحسین که انگیزه اصلی من برای نگارش این کتابها بودند، متشکرم. ایندو، بهانههای من برای جریان عشق در زندگی هستند.

شاه محمدپور

ص: 11

ص: 12

الحَیاءُ و الإیمان قُرِنا جمیعاً فإذا رُفِعَ أحَدُهُما رُفِعَ الآخَرُ.

حیاء و ایمان قرین یکدیگرند اگر یکی از میان برخاست دیگری هم برود.(1)

نخستین و اصلیترین جایگاه آرامش و پرورش انسان، خانواده اوست که هرچه بنیان آن محکمتر باشد، رشد و بالندگی عواطف و احساسات در بین اعضای آن بیشتر خواهد بود. بنابراین، خانواده یعنی کانون محبت، احترام، عاطفه، اخلاق و معنویت که اگر به هر دلیلی متزلزل شود، تمامی اعضاء خانواده دچار بحرانهای روحی و روانی جبراناپذیری خواهند شد. همچنین محیط خانواده محل آموختن و آمیخته شدن با اجتماع است.

هر فردی برای اولین بار در محیط خانواده میآموزد که چگونه بیندیشد و چگونه با دیگران ارتباط داشته باشد، چه تصوری از خود و چه تصوری از پیرامون خود داشته باشد، از که و چگونه الگو بپذیرد و در انتها اینکه حیات روحی و روانی خود را چگونه ادامه دهد.

علاوه بر این، افراد در خانواده و سایر روابط اجتماعی، نیازمند ارتباط سالم و مصون از آسیب هستند و همچنین نیاز دارند تا شخصیت انسانی آنها فارغ

1- نهج الفصاحه .ص 453.ح 1429

از قومیت، جنس، شغل، تحصیلات و غیره، مورد احترام و پذیرش قرار گیرد تا بتوانند متناسب با استعدادهای خود، زندگی مورد علاقهٔ خویش را داشته باشند.

با توضیحات ذکر شده، درمییابیم که هیچ نهاد و جایگاه اجتماعی را نمیتوان با خانواده مقایسه نمود؛ چراکه این نهاد پراهمیتترین بخش جامعه است. خانوادهٔ سالم، جامعهٔ سالم و جامعهٔ سالم، خاستگاه فرهنگ و پیشرفت تمدن خواهد بود. در جامعهٔ سالم، رعایت اخلاقیات فضیلت است و امکانات مادی در خدمت انسان است نَه همتای انسان! لذا مراقبت از خانواده نیز خود دارای اهمیتی دوچندان است؛

البته هرصاحب خرد و انسان واقعبینی، بر خود فرض میداند که اگر دارای گوهری گرانقدر و بینظیر است، در حفظ، نگهداری و ارتقاء آن بکوشد و نسبت به پاسداشت آن سهل و آسانگیر نباشد.

با توجه به توضیحات داده شده، در مکتوب حاضر کوشیدهایم تا به یکی از چند مواردی اشاره کنیم که رعایت و پرداختن به آن موجب محافظت و نکوداشت خانواده خواهد شد. از مصادیق اصلی مراقبت از خانواده، ایجاد شرایط امن و باثبات درون خانواده است؛ لذا این موضوع اهمیت ویژهای در تربیت فرزندان و سلامت جسمی و روحی دیگر اعضاء خانواده دارد.

بدین منظور، یکی از مهمترین مؤلفههای حفظ سلامت شخصیت انسان و صیانت و تقویت کانون خانواده را حیاء مینامیم و به شرح محوری و حواشی آن میپردازیم. چراکه در تمام ادیان الهی و حتی مسلکهای اعتقادی غیرالهی، مورد توجه خاص قرار گرفته است،

همچنین تلاش نمودهایم با ارائه راهکارهای علمی و عملی، موجبات رضایت والدین محترم را فراهم سازیم (انشاءالله)؛ و در ادامه به سؤالاتی در این خصوص نیز پاسخ خواهیم داد.

ص: 15

ص: 16

بخ_ش اول:ح_یاء چ_یست؟

معنای حیاء چیست؟

حیاء جایگاه و منبع درونی و ارادی دارد و ریشه آن خرد است، اما ترس عاملی است ورای وجود انسان و غیرارادی، و ریشه آن عمدتاً جهل است.

حیاء یک نیرو و عامل درونی برای انسانها است که ما را از انجام کاری بازمیدارد. این معنی از حیاء بهصورت ساده بیان شد تا تصور درستی از حیاء در ذهن داشته باشیم. اما گاهی اوقات مشاهده میشود که گروهی حیاء را با ترس هممعنی میدانند که درواقع چنین نیست؛ چراکه حیاء جایگاه و منبع درونی و ارادی دارد و ریشه آن خرد است، اما ترس عاملی است ورای وجود انسان و غیرارادی، و ریشه آن عمدتاً جهل است.

لذا اختلاف این دو واژه در معنی و کارکرد بسیار است که به آن اشاره گردید. این تعاریف، تعریفی فردی از حیاء بود که با توجه به اجتماعی بودن انسان و موضوعیت حیاء دراجتماع لازم است تعریف اجتماعی از حیاء نیز ارائه نماییم.

ص: 17

در اصطلاح اجتماعی، حیاء را اینگونه توصیف میکنیم:

حیاء یک حالت روانی خاصی است که موجب وقار و متانت درگفتار، رفتار و حرکات انسان میشود تا شخصیت فرد را حفظ نماید.

رابطه حیاء و خجالت چگونه است؟

حیاء ارادی ارزش

خجالت غیر ارادی نقص

به نظر شما چهرابطهای بین شخص باحیاء و شخص خجالتی وجود دارد؟

حیاء و خجالت علیرغم شباهتهایی که دارند، دارای یک تفاوت اساسی هستند و آن تفاوت این است که خجالت امری است غیرارادی؛ یعنی فردی که خجالت میکشد، درحقیقت اراده و توانایی اینکه کاری را انجام دهد ندارد، یا حداقل خود چنین میپندارد؛ لذا دچار نوعی آشفتگی روانی میگردد.

بهعنوان مثال، فردی که از صحبت کردن در مقابل چند نفر خجالت میکشد، یعنی قدرت و توانایی صحبت کردن در حضور جمع را ندارد. این شاخصه نهتنها ارزشمند نیست، بلکه خجالتی بودن نوعی ضدارزش است و عامل ناتوانی فرد بهحساب میآید.

اما وقتی فرد حیاء میکند یعنی بهصورت ارادی خود را کنترل میکند، این خویشتن داری عامدانه قطعاً ارزش تلقی می شود.

به طور مثال شخصی هنگام صحبت در یک جمع فامیلی و دوستانه علیرغم ناراحتی و دلخوری از اشخاص حاضر برای مخاطبین از کلمات محترمانه استفاده میکند و این حیاء و شرم را بهصورت ارادی و باکمال اختیار به خود تحمیل مینماید، نه بهصورت اجبار یا از روی ترس و ناتوانی! توانایی کنترل خویشتن یک صفت ارزشمند و کاملاً ارادی است؛ البته میتوان خجالت را اینگونه معنی نمود:

خجالت تغییر حالتی است درونی که به خاطر ناراحتی و ضعف انسان در ارادۀ انجام کاری به او تحمیل شده است و آثار آن معمولاً در چهره و رفتار او نمایان میگردد و علت آن تغییر حالت نیز این است که انسان بترسد از این که نتواند بهطور شایستهای از عهده کار برآید و آبروی خود را از دست بدهد.

بنابراین دیگران ممکن است او را فرد ناتوانی فرض نموده و یا مسخره نمایند. در این حالت است که روحیه و اعتماد بهنفس فرد دگرگون شده و بهشدت کاهش مییابد. اما حیاء یک نوع خودداری و مانع شدن است که ریشه در ارادۀ انسان دارد و به توانایی روحی و شخصیتی او بازمیگردد.

با توضیحات داده شده، میتوان چنین نتیجه گرفت که با حیاء بودن هر فردی را امری مثبت و قابل تحسین میدانیم و خجالتی بودن را یک نقص شخصیتی برای انسان تلقی میکنیم.

براین اساس، رعایت حیاء یا همان خویشتنداری درونی انسان و ظهور حیاء در رفتارهای روزمره ما، خود دارای ابعاد گوناگونی است که در این فصل به سه بخش اصلی آن اشاره میکنیم تا بهتر و بیشتر با کاربرد حیاء، این واژه پرمعنی و شاخص رفتار انسانی، آشنا شویم.

ابعاد مختلف حیاء

1. بُعد فردی حیاء

اشاره

اولین بُعد حیاء، بعد فردی است؛ یعنی حیاء از خویش.

انسان تا هنگامیکه برای شخصیت خویش ارزش و کرامتی قائل نباشد، از آلوده نمودن آن به امور غیرفطری و نابخردانه خودداری نمیکند؛ در واقع اگر کسی از خویش حیاء نکند، هرگز ملاحظه حضور خداوند متعال و دیگر انسانها را نیز نکرده و از انجام ظلم و گناه ابایی نخواهد داشت.

براین اساس متأسفانه افرادی یافت میشوند که به هیچ وجه مراقب آبرو و

شخصیت خود نیستند و کارهای نسنجیده‌ای را انجام میدهند. این افراد با کلام و گاه با رفتارهای ناشایست، نهتنها به شخصیت خویش آسیب میزنند، بلکه موجب خسران و زیان اطرافیان نیز میشوند. لذا پیشنهاد میکنیم خود را از چنین اشخاصی دور نگه دارید و مراقب منزلت خویش باشید.

به همین دلیل، در متون دینی، حیاء از خویش بهعنوان نیکوترین نوع حیاء یاد شده است.

اما چگونه؟ ! چگونه میتوان مراقب بود تا به شخصیت خودمان آسیب نزنیم و زمینه تجاوز دیگران را به حقوق فردی خویش فراهم نسازیم؟ !

در پاسخ به این سؤال، خواهشمندیم این نکات را بهخاطر بسپاریم:

* به دنبال امور پست و بیارزش نباشیم.

* وقت خودرا در امور غیرلازم تلف نکنیم و اهل بطالت نباشیم.

* به کیفیت کارهایی که انجام میدهیم اهمیت بدهیم.

* از قبول کارهایی که توانایی انجام آنرا نداریم، خودداری کنیم.

* از دیگران متوقع نباشیم و از خود توقع داشته باشیم.

* به نقش و اهمیت خود در خانواده و جامعه آگاهی کامل داشته باشیم.

* مسائل مربوط به همسر و فرزندان خود را اولویت اول زندگی قرار دهیم.

والدین گرامی، باتوجه به اینکه فرزندان ما بیشتر وقت خود را در فضای مدرسه و در کنار همسالان خود میگذرانند و بسیاری از امور تعلیمی و تربیتی را در محیط مدرسه از معلمین و کادر مدرسه فرامیگیرند، لازم است با نکاتی آشنا شوند تا در آن محیط گفتمان و رفتاری مسئولانه و آمیخته به حیاء داشته باشند، تا در بعد فردی حیاء متناسب با سن خود رفتار صحیحی را داشته باشد. بدین منظور سرفصلهایی از این نوع رفتارهای فردی مربوط به مدرسه را برای آشنایی بیشتر والدین، به منظور آموزش به فرزندان، قید می نماییم تا

ص: 20

محیط مدرسه از نظر رعایت و حفظ حیاء بین دانشآموزان از شرایط مطلوبی برخوردار باشد.

البته بدیهی است حفظ حیاء فردی در اجتماع مدرسه، تعاملی است دو طرفه و دو سویه؛ لذا به مواردی از این تعاملات دو سویه توجه فرمائید:

مسخره نکردن همکلاسیها

فرزندان ما در محیط مدرسه یکدست نبوده و از نظر توانایی فردی و اجتماعی متفاوت هستند. در بعضی مواقع این اختلاف در توانمندیها بهانهای خواهد شد تا بچهها با مسخره کردن یکدیگر، از خود احساس رضایت کنند. پس باید به فرزندان آموزش داد که با درست انجام دادن کارها و کسب تحسین اولیاء مدرسه، احساس رضایت کنند، نه با مسخره کردن دیگران. ضمناً مسخره کردن دوستان و همکلاسیها موجب حساس شدن و جلب توجه دیگران به اشتباه احتمالی ما در آیندۀ نزدیک خواهد شد!

توهین نکردن

اختلافنظر و تفاوت در رفتار دانشآموزان امری است طبیعی؛ لذا گاهی این اختلافات، بهدلیل اختلاف در سبک زندگی خانوادهها سبب سایش بین آنها شده و فرزندان ما را وادار به عصبانیت و پرخاش میکند. داشتن ارتباط مؤثر با دیگران، نیازمند تجربه است و طبیعی است که فرزندان ما بهعلت سن کم، از چنین تجربهای بهره اندکی دارند.

لذا میتوانیم به فرزندانمان آموزش دهیم: شما حق دارید عصبانی شوید، اما حق توهین و بهکار بردن کلمات نامناسب را ندارید. چراکه در اینصورت، همکلاسی شما نیز به خود اجازه میدهد به شما توهین کند و در چنین فضایی، هرگز اتفاق مناسبی برای شما رخ نخواهد داد.

باید به فرزندان آگاهی داد جامعه دارای افراد و اشخاص مختلفی است که شخصیتهای گوناگونی دارند و مدرسه نیز یک بخش مهم از جامعه است

به فرزندان گوشزد کنید در مواقعی که همکلاسی یا دوست آنها به هر دلیلی به آنها توهین کرد، خویشتنداری نموده و به شخص توهینکننده فرصت عذرخواهی بدهند در صورتی که آن همکلاسی عذرخواهی نکرد، مسئولین مدرسه را از موضوع مطلع نمایند و شخصاً با فرد خاطی برخورد نکنند. باید به فرزندان آگاهی داد جامعه دارای افراد و اشخاص مختلفی است که شخصیتهای گوناگونی دارند و مدرسه نیز یک بخش مهم از جامعه است؛ لذا نباید اجازه دهند رفتار یا سخنِ آلوده به توهین به روح و روان آنها لطمه بزند، بلکه با خویشتنداری و تدبیر باید پاسخگوی شخص خاطی باشند. به یک نمونه از رفتارهای پسندیده که سعدی علیهرحمه به آن اشاره نموده است توجه فرمایید:

«یکی از صاحبدلان زورآزمایی را دید به هم برآمده و کف بر دماغ انداخته. گفت این چه حالت است؟ گفتند فلان دشنام دادش. گفت این فرومایه هزار من سنگ برمیدارد و طاقت سخنی نمیآرد؟ !»

لاف سرپنجگی و دعوی مردی بگذرد عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی

گرت از دست برآید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی(1)

عدم دخالت در صحبت دیگران

در توضیحات ارائه شده، مشخص گردید که فحاشی و توهین کردن،

1- کلستان سعدی .باب دوم ازاخلاق درویشان .حکایت 40.

از جمله فضاهایی است که موجب تضعیف حیاء شده و روابط فردی و اجتماعی را ناخوشایند خواهد کرد. در این خصوص لازم بهذکر است که یکی از دلایل توهین دانشآموزان به یکدیگر در محیط مدرسه، این است که در صحبت دیگر دوستان خود دخالت نموده و به نفع یکی از طرفین، جبهه گیری مینمایند. از آنجایی که این دخالت بدون اجازه انجام میگیرد، بنابراین زمینه درگیری یا توهین آنها سریعاً فراهم خواهد شد.

اولیاء گرامی! دقت بفرمایید که ما هرگز انتظار نداریم کودکان نابالغ ما همچون والدین با تجربهٔ خود، رفتار درست و صحیحی را ارائه نمایند؛ اما از خودمان توقع داریم که در حد توان، بتوانیم امورات تربیتی و اخلاقی مورد نیاز فرزندانمان را به آنها آموزش دهیم و در امر پرورشِ خصایص انسانی آنها کوشا باشیم.

ما هرگز انتظار نداریم کودکان نابالغ ما همچون والدین باتجربهٔ خود، رفتار درست و صحیحی را ارائه نمایند؛ اما از خودمان توقع داریم که در حد توان، بتوانیم امورات تربیتی و اخلاقی مورد نیاز فرزندانمان را به آنها آموزش دهیم و در امر پرورشِ خصایص انسانی آنها کوشا باشیم.

خودداری کردن از برداشتن وسایل دوستان و دیگران بهمنظور شوخی

شوخی و تفریح یکی از ارکان زندگی بچه ها در مدرسه است که حتی ساعت استراحت آنها را نیز به عنوان زنگ تفریح میشناسیم. لذا در چنین محیطی، برداشتن وسایل یک دانش آموز و اینکه فرد موردنظر چند دقیقهای بهدنبال وسایل خود باشد، میتواند سبب تفریح دیگر دانش آموزان شود.

اما نکته مهم در اینگونه رفتارها این است که واکنش همه دانشآموزان به این مسئله یکسان نبوده و هستند دانش آموزانی که دارای آستانه تحمل یکسانی با بقیه نیستند و در اینگونه مواقع، متأسفانه به دیگران هتاکی کرده یا اینکه با دیگر دانشآموزان درگیر میشوند.

بنابراین حتماً به فرزندانمان بیاموزیم که اینگونه رفتارها اصولاً شوخی تلقی نشده و موجب دلخوری بین دوستان نیز خواهد شد.

بخشیدن اشتباه دیگران

بعضی مواقع بچهها از رفتار یا گفتار غلط خود شرمگین شده و از همکلاسی خود عذرخواهی میکنند، اما طرف مقابل عذرخواهی او را نپذیرفته و سعی میکند انتقام گرفته و او را تحقیر کند. این موضوع بهانهای برای رفتارهای غلط بعدی خواهد شد؛ لذا به فرزندان خود آموزش دهیم همیشه با همکلاسیهای خود مهربان بوده و عذرخواهی دیگران را بپذیرد تا دوستان او نیز در مواقع لازم، عذرخواهی او را بپذیرند.

در صورت به وجود آمدن مشکل، اولیاء مدرسه را در جریان گذاشته و خود دانشآموز شخصاً با دیگران برخورد نکند:

محیط مدرسه مجموعه ای است از دانشآموزان، معلمین و کادر آموزشی؛ لذا ارتباط بین آنها ازنظر جایگاه مسئولیت همتراز نبوده و در مواقعی عدم درک این اختلاف جایگاه، مشکلآفرین خواهد شد. عمده این مشکل نیز شامل مشکلات بین دانشآموزان است.

بنابراین باید به دانشآموزان یاد داد تا برای حل مشکلات خود، شخصاً اقدام نکنند و این کار را به عهده مسئولین مدرسه بگذارند.

رعایت نمودن قوانین مدرسه

هر مکانی قوانین مربوط به خود را دارد و در صورت رعایت این قوانین، میتوانیم احترام اجتماعی کسب کنیم.

والدین عزیز! برای بچه ها توضیح دهید که هر مکانی قوانین مربوط به خود را دارد و در صورت رعایت این قوانین، میتوانیم احترام اجتماعی کسب کنیم. پس ساعت ورود و خروج از مدرسه، زمان حضور در کلاس و دیگر قوانین مدرسه، موجب هماهنگی در کارها شده و اداره مدرسه را آسانتر میکند و برای این کار ضروری است که همه در مقابل قانون یکسان باشند و آن را اجرا کنند و نسبت به اجرای قانون اعتراض نکنند یا عکسالعمل منفی از خود نشان ندهند. تا خدای ناکرده در شرایط نامساعدی از نظر روحی قرار نگیرند؛ چراکه این شرایط روحی در بسیاری از موارد زمینه بروز درگیری دانشآموز با اولیاء مدرسه را فراهم نموده و گاه ممکن است مشکل آفرین باشد.

زود قضاوت نکنید

صبر، از خصلتهایی است که در بزرگسالی میتواند عامل موفقیت هر فردی در زندگی باشد.

مدرسه محل زندگی دانشآموزان است و بدیهی است که دانش آموزان با مسائل، مشکلات و گاه سوء تفاهم هایی روبه رو خواهند شد. بنابراین باید عکس العمل صحیح در این موارد به دانشآموز آموخته شود؛ یکی از این موارد آموزش قضاوت صحیح است و اینکه به هیچ وجه نباید درباره مسائل، زود قضاوت کنند.

زود قضاوت کردن موجب میشود که بچه ها سریع عکس العمل نشان دهند

و هرچه عکس العمل آنها سریعتر باشد، خطای آنها نیز بیشتر خواهد شد؛ لذا باید با مهربانی به آنها آموخت در مقابل درستی یا نادرستی صحبت یا رفتار دوستان و همکلاسی های خود، زود قضاوت نکنند، اجازه دهند و صبر کنند تا همه ابعاد هرموضوعی با سؤال کردن یا گذشت زمان، برای آنها روشن شود.

صبر، از خصلتهایی است که در بزرگسالی میتواند عامل موفقیت هرفردی در زندگی باشد؛ بنابراین باید از کودکی، برای بروز و تقویت این خصلت پسندیده در روحیهٔ فرزندان، زمینهسازی و تلاش کرد.

با معلمان شوخی نکنند

در قسمتهای گذشته، به مسأله شوخی و تفریح در مدرسه پرداختیم که ضمن محروم نکردن بچهها از تفریح و بازی، باید به آنها آموخت هرگز با معلمین خود شوخی نکنند تا خدای ناکرده، زمینه بیحرمتی و دلخوری پیش نیاید. در فرهنگ ایران زمین، معلم را پدر دوم هر انسان تلقی نموده و احترام و تکریم او را بر دانشآموز واجب میدانند.

لذا اهمیت و رعایت این موضوع، میتواند موجب برکات زیادی در زندگی دانشآموز گردد. والدین محترم دقت فرمایند که تمرین عدم شوخی با معلمین، میتواند موجب رعایت این موضوع نسبت به دیگر بزرگسالان (والدین، اقوام و دیگر اشخاص) نیز باشد.

اولویت داشتن اخلاق و درس فرزندان در مدرسه

محیط مدرسه محیطی شاد و دلپذیر است و دانشآموزان و متولیان آموزش و پرورش در مدرسه احساس سرزندگی میکنند. البته مدرسه نیز مانند هر سازمان دیگری ممکن است درگیر امور حاشیهای شده و متولیان آن موقتاً از وظیفه اصلی خود فاصله بگیرند؛ پس به فرزندان خود بیاموزیم که در هر شرایطی، امور مربوط

به اخلاق و درس را رعایت نمایند و خود را درگیر حواشی ناخواسته که ارتباطی نیز به آنها ندارد، نکنند.

رعایت موارد مطرح شده توسط دانشآموز موجب حفظ کرامت شخصیت او شده و ضامن سلامت ارتباط او با دیگر همسالان و مسئولین مدرسه خواهد شد؛ بنابراین نقش والدین در موضوع حیاء فردی فرزند و تعامل او با دیگر دانشآموزان نقشی تعلیم دهنده و مربیگونه است، تا فرزند محافظت از خویش را بیاموزد.

بُعد فردی حیاء، بهقدر ضرورت توضیح داده شد و راهکارهایی نیز در این باب بیان گردید. امید است ما والدین با بهکارگیری روشهای عملی ارائه شده، بتوانیم ضمن حفظ حسن رابطه با فرزندان، بهطور مطلوب و ملموسی در تربیت و آموزش آنها ساعی باشیم. در این قسمت به بُعد اجتماعی حیاء پرداخته و مواردی از این بعد حیاء را نیز شرح خواهیم داد.

2. بُعد اجتماعی حیاء

اشاره

بُعد دوم حیاء، وجه اجتماعی آن است. این قسم از حیاء شاید پایینترین درجه از حیاء باشد. چراکه آمیخته با ترس و اجبار است و معنی آن چنین است که آدمی از بیم با خبر شدن مردم و ترس از دست دادن آبروی خود در نزد آنان و ترس از این که دچار شرمساری بین مردم بشود، از انجام کاری زشت خودداری میکند.

البته چنین حیایی را نمیتوان بهعنوان یک کمال اخلاقی و ارزشی والا محسوب کرد، اما با این حال چون بهنوعی انسان را از ارتکاب به امور غیرعقلی و اجتماعی بازمیدارد، هر چند به اجبار، اما به هر حال زمینه حفظ شخصیت فرد را فراهم میکند.

بعد اجتماعی حیاء بستر مناسبی برای اصلاح رفتار و آراسته شدن

به فضایل اخلاقی است و چنین صفتی عقلاً و شرعاً مطلوب به شمار میرود.

در این خصوص حضرت امیرالمؤمنین علی فرمودند:

مَن لَم یَستَحیِ مِنَ النّاسِ لَم یَستَحیِ مِنَ اللّهِ

کسی که از مردم حیاء نمیکند، از خدا نیز حیاء نمیکند.(1)

حال باید بدانیم ما والدین بعد اجتماعی حیاء را چگونه به فرزندان خود منتقل نموده و آموزش دهیم؟

در بعد فردی حیاء که به آن پرداختیم موضوعات بین فرزندان دختر و پسر مشترک بوده، لذا تفکیکی در جداسازی مطالب قائل نشدم، اما در این قسمت با توجه به جنسیت فرزندان دختر و پسر و اقتضائات خاص هر یک بر آن شدیم تا موارد مطرح شده را در مسائل به صورت تفکیک شده بیان نماییم تا والدین گرامی نیز با توجه به جنسیت فرزند خود از آن بهرهمند شوند.

این بهرهگیری موجب افزایش حیاء فرزند در بعد اجتماعی شده و او را در مقابل آسیبهای احتمالی اجتماع مصون میدارد؛ البته بدیهی است لازمه توانمندسازی فرزندان در ابعاد مختلف حیاء آگاه سازی ایشان نیست، محدوده اختیارات و وظایف آنهاست؛ لذا بعضی از این موارد را در بعد اجتماعی درقالب پرسش و پاسخ مطرح مینماییم.

1. چه رفتارهای اجتماعی آمیخته به حیاء را به فرزندان پسر آموزش دهیم؟

اشاره

در پاسخ به این سؤال توجه به نکات ذیل ضروری است؛

1- بحارالانوار: ج 12.ص.120

فحاشی نکردن و عدم کتککاری

پسرها در سنین کودکی و نوجوانی بعضی از مشکلات ارتباطی با همسالان خود را، از راه درگیری و نشان دادن زور بازوی خود حل میکنند که در این بین ممکن است کلمات نامناسبی نیز بین آنها ردوبدل شده یا به یکدیگر آسیب جسمی برسانند.

از اینرو، والدین باید به کودکان گوشزد کنند که هر انسانی ممکن است عصبانی شود و گاهی فریاد بزند، اما حق ندارد فحاشی کرده و کتککاری کند. به فرزندان خود بگویید بهترین راهحل مشکلات، گفتگو است و در صورتیکه نتوانستند با گفتوگو مشکلات خود را حل کنند، باید از بزرگترها کمک و مشورت بخواهند تا راهکارهای دیگری را به آنها ارائه دهند تا بتوانند مشکل یا مشکلات خود را سادهتر حل کنند.

استفاده از لباس آراسته

اگرچه آراستگی امری خوشایند و زیباست و همه از آن لذت میبریم، اما فرزندان پسر نسبت به فرزندان دختر معمولاً از نظم و آراستگی کمتری برخوردارند که شاید دلیل آن حس زیباشناسی قوی خانمها و دختران نسبت به آقایان باشد. از اینرو، گوشزد نمودن امور مربوط به آراستگی ظاهر برای فرزندان پسر را دلیل بر ضعف او ندانید و به دیده یک امر تربیتی به آن بنگرید. در این خصوص، نوع و چگونگی لباس پوشیدن از مظاهر آراستگی بوده و عدم رعایت آن میتواند زمینه کمحیایی را فراهم نماید.

نکته !!!

تذکرات ذیل را به آرامی و درتنهایی به فرزند خود گوشزد نمایید که:

* در خفا لباس خود را تعویض کند.

* در صورت پارگی یا سوراخ شدن لباس خود، سریعاً آن را تعویض نماید.

* از لباس تنگ یا بدننما استفاده نکند.

* لباس جنس مخالف خود را نپوشد؛ هرچند از اعضاء خانواده او باشند.

* لباسهای زیر خود را برای شستشو، فقط در سبد حمام بگذارد و بینظمی نکند.

* در اماکن تفریحی مانند استخر یا دریا، از لباس مناسب استفاده نموده و به لباس دیگران خیره نشود.

وارد شدن به حریم خصوصی دیگران با کسب اجازه

موضوع کسب اجازه و ورود به حریم دیگران و آموزش این نکته بهقدری مهم و مورد تأکید خداوند متعال است که آیاتی در این خصوص، در قرآن کریم وجود دارد.

﴿یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا لا تَدخُلُوا بُیوتاً غَیرَ بُیُوتِکُم حَتّی تَستَأنِسُوا وَ سَلِّمُوا عَلی اَهلِها ذلِکُم خَیرٌ لَکُم لَعَلَّکُم تَذَکَّرُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آوردهاید! به خانههایی که خانههای شما نیست، [سرزده] داخل نشوید، تا آشنایی دهید و اجازه خواهید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید.(1)

والدین عزیز! این موضوع را با متانت، اما جدی، به فرزندان تذکر و آموزش دهید و مراقب اجرای آن توسط کودکان خویش باشید. چراکه آسیب ناشی از

1- نور/27

عدم رعایت چنین موضوعی غیرقابلجبران خواهد بود.

مثال:

به چند مورد از این نوع رفتارهای آموزشی در ذیل دقت فرمایید:

* با کسب اجازه وارد اتاق دیگران شوند؛ حتی اتاق خواهر و برادر خود.

* بدون اجازه به کیف پول، داخل کمد و وسایل شخصی کسی نگاه نکنند.

* بدون اطلاع به کیفدستی هیچ خانمی، حتی مادر خویش مراجعه نکنند.

* به تلفن همراه، رایانه، یا دیگر وسایل دیجیتال دیگران، حتی نزدیکان خود، دست نزنند.

عذرخواهی کردن

یکی از راههای بسیار مناسب برای حفظ حیاء در اجتماع، عذرخواهی است. با عذرخواهی بهموقع، از بهوجود آمدن مسائل و مشکلاتی که منجر به رنجش خاطر و گاهی فضای فحاشی میشود، جلوگیری خواهد شد؛ بنابراین شایسته است به فرزندان خود عذرخواهی درست را آموزش دهید.

نکته

برای عذرخواهی صحیح، مراحل زیر به نوبت اجرا شود:

* عذرخواهی شفاهی و گفتن کلمه «ببخشید».

* به فرد ناراحت ش_ده بگوید: «دوست نداشتم شما را ناراحت کنم.»

* اشتباه خود را حتماً جبران کند و در صورت از بین بردن چیزی، عیناً آن را تهیه و تحویل فرد خسارت دیده دهد و در صورتی که چیزی از بین نرفته، با تهیه هدیهای هرچند کوچک، خاطره مثبت از خود بهجای بگذارد.

* از فرد مقابل حلالیت طلب کند و مطمئن شود که طرف مقابل او را

ص: 31

بخشیده و کدورتی از وی در دل ندارد.

* در صورتیکه خدای ناکرده، به ناحق آبروی کسی را در جمع دوستان، اجتماع، مدرسه و یا هر محیط دیگری به مخاطره انداخته است، در حضور همان افراد به اشتباه خود اقرار نموده و طلب بخشش نماید.

رعایت حال افراد، خصوصاً کهنسالان، میتواند حس انساندوستی فرزند ما را تقویت نموده و همچنین او را در رعایت حقوق سالخوردگان مساعدت نماید.

آموزش رعایت حقوق دیگران خصوصاً سالخوردگان به فرزندان ضروری است

یکی از خواص حیاء این است که موجب دیده شدن رفتارهای خوب و پسندیده میشود.

پس میتوان گفت رفتارهای پسندیده موجب بروز حیاء نیز خواهد شد. رعایت حال افراد، خصوصاً کهنسالان، میتواند حس انساندوستی فرزند ما را تقویت نموده و همچنین او را در رعایت حقوق سالخوردگان مساعدت نماید. بخشیدن جای خود در اتوبوس و قطار شهری به سالخوردگان، کمک در حمل کالا و ... از مصادیق رعایت حقوق سالخوردگان است.

شوخی نکردن فرزندان با افرادی که اختلاف سنی بیش از دو سال با آنها دارند

شاد بودن و شوخی کردن بدون تحقیر و تمسخر دیگران، کار مفیدی است و موجب کسب محبت خواهد شد؛ لیکن نه با افراد بزرگتر از خود ! چرا که درک شوخی نسبت به سن و سال افراد متفاوت بوده و در صورت عدم رعایت این نکته، موجب رنجش و در بعضی مواقع دلخوری یا حتی برخورد فیزیکی

خواهد شد.

لذا رعایت این نکته بسیار مهم است که با بزرگتر از خود شوخی نکنیم. آموزش این نکته به فرزندان در بسیاری از موارد موجب حفظ شخصیت و حیاء آنها در بعد اجتماعی خواهد شد.

شوخی نکردن با جنس مخالف

بازی کودکان با یکدیگر امری است طبیعی و هرگز نباید بیدلیل مانع بازی و شادی کودکان شد. لیکن باید به فرزندان خود آموزش دهیم که بازی با شوخی متفاوت است؛ ثانیاً شوخی با غیرهمجنس، شایسته نبوده و موجب رنجش خواهد شد. چراکه پسرها و دخترها، دارای روحیات مختلفی هستند و با توجه به متفاوت بودن این روحیات، برداشتهای متفاوتی نیز از شوخی دارند، خصوصاً دختر خانمها دارای روحیه حساسی هستند و ممکن است از یک صحبت به ظاهر معمولی و ساده احساس مسخره شدن یا تحقیر شدن داشته باشند. براین اساس به کودکان و نوجوانان بگوییم که شوخی کردن با دختر خانمها امری ناپسند بوده و شایسته نیست این کار را انجام دهند.

مراوده نداشتن باافرادغریبه

والدین گرامی! به فرزندان خود بگویید هرگز به غریبهها، چه زن چه مرد، اعتماد نکنند.

اگرچه والدین با هر نوع تفکر و سبک زندگی، خود را مقید به مراقبت از فرزندان میدانند و با جدیت از آنها در مقابل افراد ناشناس مراقبت میکنند، اما بسیار خوب است که به خود فرزندان نیز گفته شود که با افراد ناشناس مراوده نکنند و هرگز خوراکی، هدیه یا چیزی را از آنها نپذیرفته و یا با آنها همراه نشوند

تا خدای ناکرده، اتفاق ناگواری برای آنها پیش نیاید.

والدین گرامی! به فرزندان خود بگویید هرگز به غریبهها، چه زن چه مرد، اعتماد نکنند.

فرزند ما نباید تنها، تا دیروقت، بیرون از خانه مشغول بازی باشد

بچهها برحسب دوران کودکی دوست دارند بیشتر اوقات خود را به بازی در بیرون از منزل بگذرانند و در این خصوص از اماکن مختلفی خصوصاً کوچه استفاده میکنند. لازم است به آنها گوشزد کنید در صورت عدم حضور یکی از والدین، قبل از غروب خورشید به منزل مراجعت کنند.

از والدین گرامی عاجزانه خواهش میکنم وظیفه مراقبت از فرزند خود را خصوصاً بعد از غروب خورشید، فقط شخص خودتان بهعهده داشته باشید و به فرزندان خود سفارش کنید در مکانهای خلوت، بازی نکنند. نکته دیگری که میتواند مفید باشد این است که از آنها بخواهید به هنگام بازی در محیط خانه درب اتاق را نبندند تا با مشاهده آنها، از خطر احتمالی یا بازیهای خطرناک آنها جلوگیری کنید.

فرزندان با کسانی که به والدین خویش بیاحترامی میکنند، مراوده نداشته باشند

کودکانی هستند که متأسفانه به دلایل مختلف، از ادب و تربیت درستی برخوردار نیستند؛ لذا گفتار و رفتار مناسبی هم ندارند. این کودکان در زمان مواجهه با مخالفت دیگران یا درخواست کاری، معمولاً عکسالعمل مناسبی از خود نشان نمیدهند و یک نوع بیحیایی رفتاری یا گفتاری را از خود بروز میدهند؛ لذا حتی گاهی به والدین خود نیز بیاحترامی میکنند.

مشاهده این برخوردها توسط فرزند ما، حتی اگر موجب یادگیری و تکرار

آن عمل زشت نشود که ممکن است بشود! موجب قبحزدایی بوده و همچنین موجب عادی شدن این رفتار نزد فرزند ما میگردد. بنابراین پیشنهاد میکنیم ارتباط فرزندان خود را با اینگونه کودکان به حداقل برسانید تا خدای ناکرده، زحمات تربیتی شما به یکباره از بین نرود.

فرزندان در موقعیت درگیری فیزیکی دیگران حضور نداشته باشند

توانمندی همه انسانها محدود است؛ لذا همگی میکوشیم از توان خود به بهترین صورت ممکن استفاده نماییم.

از جمله محدودیتهایی که برای خود ترسیم میکنیم، محدودیتهای مربوط به حضور ما در مکانهای مختلف است؛ از جمله این مکانها موقعیتی است که بعضی از ناهنجاریها و بیحیایی افراد به یکدیگر نمایان میشود که گاه و بیگاه در کوچه و خیابان نیز شاهد آن هستیم که میتوان به درگیری لفظی و فیزیکی افراد بینزاکت اشاره نمود (دعوای خیابانی).

در این خصوص شایسته است حتیالمقدور، فرزندان خود را از این محیطها دور نگه داشته و به آنها بگوییم در صورت مشاهده چنین اتفاقی هرگز کنجکاوی نکنند و هرچه زودتر محیط را ترک نمایند تا دچار آسیب تربیتی نشوند.

عدم رازداری های بیمورد

گاهی فرزندان برای نشان دادن بزرگی خود و اینکه برای دیگران قابل اعتماد هستند، رفتارها و صحبت دیگران را بهعنوان راز تلقی میکنند و از بازگو نمودن آنها به والدین خویش، خودداری مینمایند.

خوب است به فرزندان خود بیاموزیم هیچچیز را از والدین خود مخفی نکنند؛ ضمناً رفتار دوستانه و محبتآمیز والدین در هنگام مشاهده اشتباهات

فرزندان و تصحیح رفتار آنها، کمک شایانی نسبت به اعتماد کودکان به پدر و مادر خواهد داشت.

رفتار دوستانه و محبتآمیز والدین در هنگام مشاهده اشتباهات فرزندان و تصحیح رفتار آنها، کمک شایانی نسبت به اعتماد کودکان به پدر و مادر خواهد داشت.

فرزندان و هنر نه گفتن

کودکان ما براساس سرشت نیک خود، همیشه بهدنبال محبت و شاد کردن یکدیگرند و در این مسیر معمولاً کوتاهی نیز نمیکنند؛ خیلی زود کدورتها را کنار گذاشته و گویی به قصد آشتی با یکدیگر قهر میکنند. این دنیای سرشار از خوبی و مهربانی را باید حفظ نمود و تقویت کرد. یکی از راههای حفظ آن این است که به کودکان یاد بدهیم رفتار خطرناک انجام ندهند و بین شجاعت و حماقت، تفاوت قائل شوند.

برای درک بهتر این موضوع، از آنها بخواهید هنگامیکه دوست یا شخصی از آنها تقاضای انجام کاری را دارد، به عاقبت آن بیندیشد و یا شما را از آن خواسته آگاه کند. هرگز مسئولیت کارهای ناشایست دیگران را بهعهده نگیرد و برای نشان دادن بزرگی خود، رفتار غلط دیگران را تقلید نکند؛ بلکه با حفظ شخصیت خود و احترام به شخصیت دیگران، فردی محترم جلوه نموده و موردتوجه قرار گیرد.

عدم مشاهده برنامه های ماهواره و جُنگهای شادی تهیه شده در فرهنگهای مغایر با فرهنگ ایران زمین

یادگیری در انسان، خصوصاً در دوره کودکی، از راه مشاهده و گوش دادن

شکل میگیرد. حال اگر این یادگیری همراه با ارائه جذابیتهای غریزی نیز باشد، عمیقتر بوده و به اجرا و تکرار آن عمل توسط همان شخص کمک میکند.

باتوجه به اینکه عمدۀ برنامههای ماهواره و فیلمهای تهیه شده در سطح بینالملل، جنبه تجاری (غریزه- هیجان- تخیل) دارند؛ لذا از همه اهرمها برای جذابیت برنامههای خود استفاده میکنند و طبیعی است در این راستا، بحث حیاء از کماهمیتترین موضوعات خواهد بود. بنابراین واضح است که والدین مسئول، هرگز فرزند پاک و بیدفاع خود را در برابر هجمۀ امور غریزی و جنسی فرهنگ بیقید و بند غرب و مؤسسات سودجوی آنها قرار نمیدهند.

یادگیری در انسان، خصوصاً در دوره کودکی، از راه مشاهده و گوش دادن شکل میگیرد.

2. چه رفتارهای اجتماعی آمیخته به حیاء را به فرزندان دختر آموزش دهیم؟

اشاره

رفتارهای اشاره شده جهت فرزندان پسر، با کاربردهای حداقلی یا حداکثری برای فرزندان دختر نیز قابل استفاده است؛ لذا به تکرار آن نپرداختهایم و بهعنوان امور مشترک فرزندان دختر و پسر از آنها یاد میکنیم و بهطور اختصاصی به بعضی از آموزشها اشاره خواهیم نمود که کاربرد بیشتری را در بین فرزندان دختر خواهد داشت.

لباس زیبا و پوشیده داشتن:

پوشیدن لباس نازک و بدننما یا لباسی که قسمت کمی از بدن را میپوشاند، شاید موجب زیبایی ظاهری او شود، اما نکته اینجاست که والدین فقط موظف به زیبا نمودن لباس کودک خود هستند، یا نکات دیگری نیز در طریقۀ لباس پوشیدن مهم است؟! بیتفاوتی بین لباس بیرون از خانه و منزل، موجب ناامن شدن محیط

برای فرزند دختر ما خواهد شد. ضمناً انتظار او را در سالهای بعد، در خصوص نحوه لباس پوشیدن تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ لذا لباس او را زیبا و پوشیده انتخاب کنید.

ترجیح دادن همبازی شدن با دخترها نسبت به پسرها:

بازی موجب رشد و پرورش شخصیت کودکان خواهد شد.

قبلاً اشاره شد که بازی، مهمترین بخش زندگی کودکان است. چراکه بازی موجب رشد و پرورش شخصیت او خواهد شد؛ پس هرگز او را از این حق خدادادی محروم نکنید. اما اگر همین فضای مهم و مفید توسط والدین دلسوز مراقبت نشود و تعدیل نگردد، خود موجب کماثر شدن بازی گردیده و مانع از تربیت اجتماعی صحیح او خواهد شد.

خوب است در انتهای چهارسالگی، از فرزند خود بخواهیم با همجنس خود بازی کند تا بیشتر از بازی کردن لذت ببرد. مثلاً برای فرزند دختر خود توضیح دهید که پسرها، بازیهای دخترانه را خوب بلد نیستند و نمیتوانند مانند دخترها بازی کنند. این توضیح شما موجب مقایسه ذهنی او شده و رغبت خود را نسبت به بازی با دختران بیشتر خواهد نمود. رعایت همین نکات کوچک و ساده، ضامن سلامت حیاء فرزند شما خواهد شد.

دور کردن رفتارهای متهورانه از خود:

دختران در سنین نوجوانی، گاهی بهدنبال اثبات خود به گروه همسالان خویش هستند و در این راستا ممکن است از روشهای نادرست نیز استفاده کنند که البته عمدی نبوده و کاملاً ناآگاهانه است. این رفتارهای خطرناک شامل: ورود به مناطق متروکه، ورود به ساختمانهای نیمهکاره و مخروبه

میتواند باشد که بسیار خطرناک است و خسارات روحی و جسمی آن نیز غیرقابلجبران خواهد بود؛ لذا باید از انجام این اقدامات جداً خودداری نمایید.

ناپسند دانستن رفتوآمد و بازی در محیط و ساعات خلوت:

بهترین شرایط برای بازی کودکان، خصوصاً دختران، زمان و مکانی است که خود ما والدین نیز در محل بازی آنها حضور داشته باشیم.

حال اگر به هر دلیلی این امر امکانپذیر نبود، باید از حداکثر شرایط مطلوب استفاده نمود.

بنابراین از فرزندان خود بخواهیم نزدیک منزل و در مکان رفتوآمد عموم بازی کنند و در ساعات خلوت، بیرون از منزل نباشند. شایسته است در صورت امکان، حتی با فاصله، شاهد بازی و رفتار کودک خویش باشیم.

اهمیت دادن به محل خواب خود:

اگر پسرها نمیخواهند مانند شاهزادهها رفتار کنند، دختر خانمها ! حتماً مانند پرنسسها رفتار کنید !

بهتر است از فرزندان دختر بخواهیم به محل خواب خود اهمیت بدهند و هر مکانی را در منزل، میهمانیها یا مسافرت، برای خوابیدن انتخاب نکنند و نسبت به این موضوع بیمبالات نباشند.

گاهی آنها نحوه خواب و محل خواب پسران را با خود مقایسه نموده و از شما میخواهند دلیل سختگیری خود را نسبت به آنها بیان کنید؛ به فرزندان دختر خود توضیح دهید که:

اگر پسرها نمیخواهند مانند شاهزادهها رفتار کنند، شما حتماً مانند پرنسسها رفتار کنید!

صحبتهای زنانه دختران:

فرزند دختر مهربان است و رقیقالقلب، از اینرو احساسات خود را بهراحتی بروز داده و طبیعی است که در مقابل رفتارها و گفتارها نیز به سادگی اثرپذیری داشته و از خود عکسالعملهای احساسی و عاطفی را بروز خواهد داد.

رفتارها و گفتار خصوصی و زنانه را فقط با مادر خویش داشته باشد.

این عکسالعملها گاه در مقابل برادر و خواهر است و گاه در مقابل پدر و مادر. آنچه مهم بهنظر میرسد این است که او باید بیاموزد رفتارها و گفتار خصوصی و زنانه را فقط با مادر خویش داشته باشد و خصوصاً در دوره نوجوانی مسائل و سؤالات خود را با مادر در میان گذارد.

اگر پدر و یا دیگر اعضاء خانواده از او سؤالاتی داشتند که دختر خانم احساس شرم و حیاء داشت، پاسخ به آن سؤالات را به مادر خویش ارجاع دهد. این رفتار درطولانی مدت سبب نزدیکی و همدلی دختر با مادر شده و همچنین موجب حفظ حیاء و محجوب بودن دختر خانم میشود؛ بدیهی است این توضیح بهمعنی جداسازی پدر از تربیت فرزند (دختر) نیست.

بلکه سپردن امور زنانه دختر خانم به مادر میباشد و اینکه فرزندان دختر بهنحوی تربیت شوند که همیشه بین آنها و پدر، احترام و حیاء برقرار باشد.

بهعنوان یک نمونه ادبی از رعایت حیاء توسط دختر خانمها، به چند بیت از داستان لیلی و مجنون از دیوان اشعار نظامی گنجوی اشاره مینماییم:

لیلی ز پدر بدین حک_ایت

رنج_ید چنانکه بی نهایت

در پرده نهفته آه میداشت

پرده ز پدر نگاه میداشت

چون رفت پدر ز پرده بیرون

شد نرگس او ز گریه گلگون

چندان ز ره دو دیده خون راند

کز راه خود آن غبار بنشاند

نکته

سه نکته مهم تربیتی ویژۀ والدین (این سه نکته عام هستند و اختصاص به دختر و پسر ندارد):

1. رابطه بین حیاء و ادب و تربیت اجتماعی، رابطه مکمل یا حتی وابسته بههم نیست؛ بلکه فلسفه وجودی یکدیگر هستند؛ این نکته یعنی اینکه: اگر ما حیاء را از ادب یک انسان جدا کنیم، مانند این است که بتوانیم رطوبت را از آب و زیبایی را از گل جدا کنیم، که البته نمیتوانیم ! لذا معنی ادب را عین حیاء میدانیم و قطعاً انسان مؤدب را انسانی باحیاء تلقی میکنیم.

2. در صورت مشاهده رفتارهای خوب یا بد از دیگران در اجتماع، جنبههای گوناگون رفتار مردم را برای فرزندان خود تحلیل کنیم؛ در توضیح این موضوع باید گفت: گاهی فرزندان ما شاهد رفتارهای خوبی در محیط زندگی هستند؛ بهعنوان مثال فردی، خانمی کهنسال را از خیابان عبور میدهد و یا تعدادی از افراد، رانندهای را برای روشن کردن اتومبیلش مساعدت میکنند. مشاهدۀ این رفتارها توسط فرزندان و توضیحات شما میتواند فرصتهای تربیتی بسیار مناسبی را برای آنها فراهم آورد تا مانند یک کارگاه آموزشی

ص: 41

از آن بهره ببرند.

3. فرزندان را با الگوهای شاخص رفتاری آشنا کنیم. برای شروع، میتوانیم از فرزندان خود بخواهیم بعضی از رفتارهای والدین را تمرین و تکرار کنند. بهعنوان نمونه از فرزند دختر خود بخواهیم با مشورت گرفتن از مادر در بیرون از خانه لباس بپوشد و مانند بزرگترها رفتار کند، چراکه بهزودی او نیز همچون مادرش بانوی متشخصی خواهد شد.

از فرزند پسر نیز بخواهیم همچون پدر در میهمانی، از لباس رسمی استفاده نماید و پوشش مناسبی داشته باشد. البته استفاده از الگوهای کامل نیز بسیار سازنده و مناسب است، خصوصاً سیرۀ عملی پیامبر اکرم و اهلبیت عصمت و طهارت(سلاماللهعلیهم).

فرزندان ما برحسب فطرت خدادادی حس زیبادوستی داشته و همیشه طالب محبت هستند. بهترین افرادی که توانستهاند در فکر و گفتار خود زیبا بیندیشند و در رفتار خود زیبایی و محبت را همراه سازند، پیامبران الهی و خصوصاً پیامبر اکرم و اهلبیت معصوم ایشان هستند.

ما والدین میتوانیم با تهیه کتابهای سیره و خواندن رفتارهای ایشان، افقهای جالب و صحیحی را به فرزندان خود آموزش دهیم. به عنوان یک پیشنهاد میتوان به کتاب داستان راستان استاد شهید مطهری(رحمه الله علیه) و کتاب سننالنبی علامه طباطبایی(رحمه الله علیه) اشاره نمود.

حال بعد از پرداختن به بعد فردی و اجتماعی حیاء به بعد الهی آن نیز اشاره مینماییم؛ این بعد از حیاء دارای فرازهای عالی و شاخصی است تا بتوانیم در محضر الهی جایگاه انسانیت خود را تثبیت نماییم.

3. بُعد الهی حیاء:

اشاره

بالاترین و والاترین مرتبه حیاء، همانا حیاء از خداوند است.

بُعد سوم از حیاء، حیاء از خداوند متعال است. بالاترین و والاترین مرتبه حیاء، همانا حیاء از خداوند است. این قسم از حیاء از چنان عظمت و شأنی برخوردار است که جز انبیاء الهی و معصومین(علیهمالسلام) و در مراتبی پیروان حقیقی آنان بدان دست پیدا نمیکنند و کسی که به این بُعد و درجه از حیاء برسد، هر لحظه خود را در محضر باعظمت پروردگار مییابد و چون چنین است، تمامی رفتار و گفتار او متأثر از این احساس حضور آمیخته با حیاء است.

چنین انسانی سراسر اعمالش خیر و برکت و تمامی گفتارش سودمند است. کوچکترین بدی و ناشایستگی در صحبت و رفتار او راه ندارد. به این ترتیب شاخصی از یک انسان شایسته و خردمند است.

این افراد میتوانند از جمله بهترین دوستان ما باشند و معاشرت ما با این افراد میتواند زمینه رشد و آرامش ما را در خانواده مهیا سازد. دوستان خدادوست، همیشه خیرخواه ما بوده و مشاورانی امین هستند.

حال سؤال مهم این است که رفتارهای اجتماعی متناسب با حیاء از خداوند متعال، در چه مواردی از زندگی ما باید مشهود باشد تا زمینه تنظیم شعائر الهی فراهم گردد؟

برای پاسخگویی به این پرسش به چند مثال عملی اشاره میکنیم:

1- در زمان خوانده شدن قرآن کریم، سکوت کنیم و به آیات الهی گوش بدهیم.

2- در هنگام اجرای عبادات یا مراسم مذهبی، متناسب با مراسم رفتار کنیم و مشغول کار دیگری نباشیم و دیگران را نیز در انجام امور یاد شده، یاری کنیم؛ خصوصاً در هنگام نماز جماعت.

3- در ایام خاص سال، اقتضائات فضای عمومی را رعایت نماییم. بهعنوان مثال در ماه مبارک رمضان، احوال دیگران را رعایت نموده و در صورتی که توفیق روزهدار بودن را نداریم، تظاهر به روزه خواری نکنیم و رعایت این

امور را به فرزندان خود نیز گوشزد نماییم.

4- با استفاده از بزرگان یا متون دینی، اسباب خنده و تفریح خود یا دیگران را فراهم نسازیم و از سر بیتوجهی یا سادهاندیشی، موجبات بیاحترامی به مقدسات را فراهم نسازیم.

5- نام خداوند متعال و بزرگان دین را به نیکی یاد کنیم. در بعضی مواقع، برحسب عجله یا فراموشی ممکن است در بهکار بردن القاب و رعایت احترام اهلبیت عصمت و طهارت(سلاماالله علیهم)، ناخواسته کوتاهی کنیم. لذا باید دقت نموده و این خطای ناخواسته را به حداقل برسانیم.

6- برای کسب روزی حلال، اهمیت ویژه قائل باشیم. کسب روزی حلال و رعایت حلال و حرام الهی موجب میشود زندگی خداپسندانهای داشته و حقوق دیگران را رعایت کنیم. همانگونه که نمیپسندیم کسی به ما ظلم کند، هرگز نپسندیم که به دیگران ظلم کنیم. این نکته تربیتی را میتوان به فرزندان خود نیز آموزش داد و از آنها خواست که نه به دیگران ظلم کنند و نه اجازه دهند به آنها ظلم شود. برای آموزش این نکته، لازم است فرزندان خود را به حقوقشان آگاه کنیم.

7- در هنگام انجام عبادات خود، از لباس مناسب استفاده نماییم و تمیز و مرتب باشیم. رعایت این نکته موجب افزایش رغبت به عبادت خواهد شد. ضمناً رعایت تشریفات و آداب و پرداختن به مقدمات عبادت، تمرکز ما را خصوصاً در هنگام نماز افزایش خواهد داد.

8- حقوق اجتماعی مردم را رعایت نموده و خود را برتر از دیگران ندانیم. بعضی از خصلتهای انسان موجب فراهم شدن شرایطی میشود تا رعایت حدود الهی بر ما سخت شود. بعضی از این خصلتها عبارتند از: تکبر، زود عصبانی شدن، زود قضاوت کردن؛ اگر هر یک از این خصلتها را داشته باشیم، کافی است تا خدای ناکرده، خود را از دیگران بهتر دانسته و خداوند

متعال را از خود ناراضی کنیم.

نکته !!!

چنانچه احساس میکنید ممکن است روزی دچار یکی از خصلتهای ناپسند فوق شوید، بهمنظور پیشگیری از این موضوع رعایت چند نکته لازم است:

* همیشه لبخند بر لب داشته باشیم.

* در سلام کردن پیشدستی کنیم.

* با مردم مهربان باشیم.

* نسبت به مردم متواضع باشیم.

رابطه حیاء و عفاف چگونه است؟

همانطور که مستحضرید، در کنار واژه حیاء کلمهٔ همیشگی عفاف نیز حضور دارد. عفاف در لغت و توضیح کاربردی آن یعنی حفظ خود از غلبه تمایلات و خواستههای نفسانی (غریزی) بر عقل و خرد و بهعبارتی به معنای حفظ سلامت شخصیت است؛ یعنی با داشتن صفت عفاف، عقل خود را از غلبه خواهشهای غریزی مصون داشته و تمایلات خود را کنترل میکنیم تا بتوانیم سلامت جسم و روحمان را حفظ نماییم.

به یاد داشته باشید عفاف بهمعنای اعتدال در رفتار و معاشرت به دور از هرگونه افراط و تفریط است؛ یعنی نه با سرکوب امیالتان به خمودی گرایش بیابید و نه پردهدری و هتک حریم کنید؛ بلکه رفتاری عاقلانه، معتدل، پسندیده و به دور از احساسات غیرکنترل شده داشته باشید. در این راستا، شاخص حیاء به ما کمک میکند تا عفت خود را در برابر هجوم امیال غریزی کنترل و محافظت نماییم.

عفاف در لغت و توضیح کاربردی آن یعنی حفظ خود از غلبه تمایلات و خواستههای نفسانی (غریزی) بر عقل و خرد و بهعبارتی به معنای حفظ سلامت شخصیت است؛ یعنی با داشتن صفت عفاف، عقل خود را از غلبه خواهشهای غریزی مصون داشته و تمایلات خود را کنترل میکنیم تا بتوانیم سلامت جسم و روحمان را حفظ نماییم.

الگوی ساختاری و شخصیت محوری عفاف چگونه است؟

اشاره

به منظور مدیریت بهتر عفاف خود و اینکه از یک برنامه عملی برای این کار برخوردار باشیم، مدل ساختاری و شخصیت محوری را ارائه میدهیم. امید است با استفاده از این مدل پیشنهادی، زندگی آرام و امنتری را داشته باشیم. استفاده از این مدل توسط والدین، قطعاً میتواند الگوپذیری فرزندان را از آنها افزایش دهد.

1. مرحله اول؛ عفت در فکر

افکار ما مقدمه گفتار و رفتارمان خواهد شد.

عفت در تفکر یعنی مراقب افکار خود باشیم. حسادت، سوءظن و هرگونه مداخله در حقوق دیگران را در ذهنمان راه ندهیم. یادمان باشد افکار ما مقدمه گفتار و رفتارمان خواهد شد؛ بنابراین حتی در ذهنمان حریم شخصی دیگران را رعایت کنیم و مثبتاندیش باشیم و به آنچه در محدودهٔ حقوق ما محسوب نمیشود، نیندیشیم و بیاموزیم که به هر چیزی فکر نکنیم. چراکه بعضی از افکار موجب تغییرات منفی در گفتار و رفتار ما میشود.

﴿یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا اجتَنِبُوا کَثیراً مِنَ الظَّنِّ اِنَ بَعضَ الظَّنِّ اِثمٌ...﴾

ای کسانی که ایمان آوردهاید ! از بسیاری گمانها بپرهیزید، چراکه پارهای از گمانها گناه است...(1)

2. مرحله دوم؛ عفت در کلام

آنچه به زبان میآوریم، از احوالپرسی گرفته تا نظر دادن و حتی اعتراض به رفتار دیگران، همگی مشخصهٔ چگونگی شخصیت ماست. بنابراین با عدم ورود به موضوعاتی از قبیل غیبت، دروغ، تهمت، تمسخر، ناسزاگویی و سخنان سخیف مربوط به امور جنسی و ... به حریم خود و دیگران احترام بگذاریم و البته شرایطی را نیز فراهم نکنیم تا شنونده این نوع گفتگوها باشیم.

باتوجه به متون معارف اسلامی و همچنین سیره عملی اهل بیت (علیهمالسّلام) اینگونه بهنظر میرسد که در دین مبین اسلام، غیبت به مراتب بدتر از بیعفتی جنسی قلمداد شده است. پیامبر اکرم﴿:

﴿الغِیبَهُ أَشَدُّ مِنَ الزِّنا، قَالوُا وَ کَیفَ؟ قالَ: لِأَنَّ الرَّجُلَ یَزنِی ثُمَّ یَتُوبُ فَتَابَ اللّهُ عَلیهِ، و إنَّ صاحِبَ الغَیبَهِ لا یُغفَرُ لَهُ حتّی یَغفِرَ لَهُ صاحِبُهُ﴾

غیبت کردن بدتر از زناست، گفتند چگونه؟ فرمود: مرد زنا میکند و سپس توبه مینماید و خدا توبهاش را میپذیرد، و اما غیبتگر آمرزیده نمیشود تا زمانی که غیبت شونده او را ببخشد.(2)

1- حجرات /12
2- بحارالانوار: ج 72.ص 259.ب 66.

خصوصاً شایسته است آقایان از شوخی با غیرهم جنسان خود بپرهیزند و محترمانه سخن بگویند و اما اگر خانم هستید، مراقب لحن صحبت خود باشید که متین و به دور از جلبتوجه باشد.

مراقب باشیم در بازارهای گفتگویی شرکت نکنیم که محل فروش آبروی دیگران است! خوب و محکم صحبت کنیم، باوقار و مؤدب باشیم و از کلمات احترامآمیز استفاده کنیم.

در بسیاری از موارد میتوانیم با طمأنینه و رفتار شایسته، شخص هتاک و دروغگو را شرمنده کنیم.

گاهی متوجه میشویم فرد یا افرادی به دروغ، نسبت ناروایی را به ما دادهاند یا تهمتی را نثار ما کردهاند؛ بدینجهت عصبانی شده و از الفاظ نامناسبی خطاب به آنها استفاده میکنیم. این عصبانیت و عدم خویشتنداری، موجب لکهدار شدن عفت کلام ما خواهد شد. در بسیاری از موارد میتوانیم با طمأنینه و رفتار شایسته، شخص هتاک و دروغگو را شرمنده کنیم و موجب اصلاح رفتار و گفتار او شویم.

در این خصوص شیخ مصلح الدین سعدی مطلبی را در گلستان بیان نموده است که توجه به آن خالی از لطف نیست:

«پیش یکی از مشایخ گله کردم که فلان به فساد من گواهی داده است، گفتا به صلاحش خجل کن!»

تو نیکو روش باش تا بدسگال به نقص تو گفتن نیابد مجال

چو آهنگ بر بط بود مستقیم کی از دست مطرب خورد گوشمال(1)

1- گلستان سعدی .باب دوم ازاخلاق درویشان .حکایت 24.

سؤال؟

شوخی باید چه جایگاهی در گفت وگوها داشته باشد؟

بسیاری از ما با شوخی آشنا بوده و آن را قسمتی از فرهنگ عمومی خود میدانیم. هرچند بعضی افراد دوست ندارند با کسی شوخی کنند یا اینکه دوست ندارند کسی با آنها شوخی کند، اما عمده مردم از آن لذت میبرند. با رعایت نکات ذیل میتوان گفت شوخی چیز خوبی است!

* مؤدبانه باشد؛

* دشنام نباشد؛

* دروغ نباشد؛

* مسخره کردن دیگران نباشد؛

* غیبت و تهمت نباشد؛

* موجب رنجش کسی نشود.

3. مرحله سوم؛ عفت در شنیدن

یکی از نعمتهای خدادادی ما حس شنیداری است و این حس در برقراری ارتباط بین ما و دیگران نقش اساسی دارد. دنیای بدون شنیدن را نمیتوان تصور نمود؛ بنابراین باید از این نعمت الهی درست و مناسب استفاده کنیم و بدانیم که هر چیزی ارزش شنیده شدن را ندارد.

گوش دادن به امور پیش پا افتاده و یا سخنان سخیف موجب آلوده شدن فکر ما خواهد شد پس رواست که از شنیدن موضوعات اینچنینی دور باشیم و زمینهٔ فراهم شدن این موارد را مهیا نکنیم و وقت گرانقدر خود را به امور باطل صرف نکنیم.

شایسته است به صحبت افراد نزدیک خود مانند اعضاء خانواده و دوستان گوش دهیم و همچنین از نعمت شنوایی برای یادگیری و یا افزایش محبت به

ص: 49

دیگران استفاده کنیم. با گوش دادن به صحبتهای عزیزانمان از موفقیتها و مشکلات آنها آگاه شده، میتوانیم حس همدلی را در یکدیگر افزایش دهیم؛ بنابراین مراقب آنچه میشنوید باشید. چراکه شنیده های شما بر آرامش روحی یا تلاطم روانی شما تأثیرگذار خواهد بود.

بنابراین بسیاری از شنیدهها مانند غیبت، تهمت، بدگویی، کلام بیهوده و شوخی ناپسند، ارزش گوش دادن ندارد؛ بلکه باید گوش شنوا در برابر سخنان مفید و خصوصاً اعضاء خانوادۀ خود داشته باشیم؛ بهعنوان یک راهکار میتوانید مجالسی را که در آنها موارد یاد شده وجود دارد ترک نمایید.

4. مرحله چهارم؛ عفت در نگاه

چشم دروازۀ دل است.

چشم دروازۀ دل است. باید توجه داشت با نگاهمان چه چیزی را وارد دلمان میکنیم. بدون کسب اجازه به داخل خانه، وسایل و یا اطلاعات شخصی دیگران اعم از تلفن همراه، عکس، دفتر یادداشت و ... نگاه نکنید. نگاههای تحقیرآمیز و غضبآلود به اطرافیان نداشته باشید. تحت هیچ شرایطی عکسها و فیلمهای غیراخلاقی را نبینید؛ چراکه با این کار، موجب گسترش ظلم به حقوق دیگران خواهید شد و با کنترل نگاهمان به نامحرم، از نگاه خیره و غیرضروری اجتناب کنیم.

چه بسا نگاه های بی موردی که آرامش روانی افراد را به هم زده و سرنوشت تلخی را به دنبال داشته است. خصوصاً در مقابل والدین و افرادی که صاحب حقوق نزد ما هستند، مراقب نگاه خود باشید که هیچ گاه همراه با ناراحتی و بیاحترامی نباشد؛ بلکه همراه با محبت و روی گشاده برخورد کنید.

والدین گرامی !

مطالب این کتاب به نحوی نگارش یافته است که برای خانمها، آقایان، دختران و پسران کاربردی و قابلاستفاده باشد. لیکن بعضی موارد آن برای جنسیت زن یا مرد کاربرد بیشتری خواهد داشت، مانند بحث حاضر (عفت در نگاه) که برای آقایان و آقا پسرها کاربرد بیشتری دارد.

مردان با دیدن، دلبسته میشوند و با نگاه کردن، طلب خواسته میکنند.

از این رو توصیه میکنیم آقایان به این بحث توجه ویژهای داشته باشند. در ابتدای کلام، ذکر نمودم که چشم دروازه دل است. جنسیت مرد بهگونهای است که با دیدن، عمده احساسات او برانگیخته شده و متمرکز میشود؛ یعنی وقتی به چیزی نگاه میکند، دیگر احساسات نیز به مشاهده او کمک میکنند و به آن عمق می بخشند؛

لذا مردان با دیدن، دلبسته میشوند و با نگاه کردن، طلب خواسته میکنند. به دو بیتی باباطاهر دقت فرمایید:

ز دست دیده و دل هردو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز ف_ولاد زنم بر دیده تا دل گ_ردد آزاد

منظور شعر این است که هر آنچه چشم ببیند، دل تمنا میکند؛ لذا برای راحتی قلب و آرامش فکر، باید بر بسیاری چیزها چشم بست و نگاه نکرد ! خوب است به فرزندانمان، خصوصاً نوجوانان خود، تذکر و آموزش دهیم که به هر منظره ای نگاه نکنند.

فرزندان ما در دوران نوجوانی و خصوصاً بلوغ، از نظر جنسی و عاطفی بسیار آسیبپذیر هستند.

فرزندان ما در دوران نوجوانی و خصوصاً بلوغ، از نظر جنسی و عاطفی بسیار آسیبپذیر هستند. لذا والدین، خصوصاً پدر خانواده، میتواند با پسر خود گفتوگوی صمیمانهای داشته و از او بخواهد بهخاطر آرامش فکری و احساسی، مراقب چشمان خود باشد و عفت دیدگان خود را رعایت نماید. همچنین میتواند با آموزش عملی (آموزش جدای از گفتار) موضوع عفت در نگاه را به فرزندان آموزش دهد.

پسر خانواده وقتی پدر خود را شخصی متدین و عفیف مشاهده نماید، بدیهی است که این رفتار را از او فرامی گیرد.

حال ممکن است به اقتضاء سن خطایی هم داشته باشد، لیکن در عمده موارد تابع رفتار پسندیده پدر بوده و رفتار او را الگوی عملکرد خود قرار میدهد.

پسر خانواده وقتی پدر خود را شخصی متدین و عفیف مشاهده نماید، بدیهی است که این رفتار را از او فرامی گیرد.

بنابراین چگونگی رفتار والدین، خصوصاً پدر، در موضوع عفت در نگاه بسیار مؤثر است. جهت تنویر مطلب و همچنین توجه خاص به این موضوع، حکایت ذیل را از گلستان سعدی علیه رحمه یادآور میشویم.

«دانشمندی را دیدم به کسی مبتلا شده و رازش برملا افتاده جور فراوان بردی و تحمل بیکران کردی. باری به لطافتش گفتم؛ دانم که تو را در مودّت این منظور علتی و بنای محبتی بر زلّتی نیست، با وجود چنین معنی لایق قدر علما

نباشد خود را متهم گردانیدن و جور بیادبان بردن. گفت ای یار دست عتاب از دامن روزگارم بدار، بارها درین مصلحت که تو بینی اندیشه کردم و صبر بر جفای او سهلتر آید همی که صبر از دیدن او و حکما گویند: دل بر مجاهده نهادن آسانتر است که چشم از مشاهده برگرفتن.(1)»

دل بر مجاهده نهادن آسانتر است که چشم از مشاهده برگرفتن.

5. مرحله پنجم؛ عفت در پوشش

نحوه حضور و لباس پوشیدن ما در جمع خانواده، اقوام، دوستان و اجتماع، چگونگی شخصیت ما را به نمایش خواهد گذاشت؛ بنابراین در حفاظت حقوقمان از تهاجم دیگران سهم بهسزایی دارد. هرچه پوشش انسان بدننما یا خلاف عرف اجتماع باشد، افراد نابهنجار به خود اجازه میدهند بیپروا با ما ارتباط صمیمیتری برقرار نمایند.

لذا به منظور حفظ کرامت انسانی و رعایت شئونات اجتماعی در مجامع مختلف، آداب و قوانین لباس در مجامع عمومی برای مردان و زنان مطرح شده و البته همواره بر پوشش زنان به علت جذابیت و آسیبپذیری بیشتر آنها، تأکید ویژهای گردیده است که در ادیان الهی از آن بهعنوان حجاب یاد شده است.

نحوه حضور و لباس پوشیدن ما در جمع خانواده، اقوام، دوستان و اجتماع، چگونگی شخصیت ما را به نمایش خواهد گذاشت.

1- گلستان سعدی .باب پنجم درعشق وجوانی .حکایت 9.

6. مرحله ششم؛ عفت در زینت و خودآرایی

اشاره

یکی از لذات انسان، لذت در زیبایی است؛ یعنی انسان زیبایی را دوست دارد و خود سعی میکند آفرینندهٔ زیبایی باشد که البته این حس طبیعی و فطری است و پاسخگویی به این نیاز بشری در قالب زمان، مکان و شرایط مناسب کاری بسیار نیکو است. لیکن عدم رعایت نکات فوقالذکر موجب رفتار ناهنجار اجتماعی خواهد شد و قطعاً زندگی شخصی و خانوادگی ما را در محیط اطرافمان دچار مشکل خواهد نمود.

براین اساس شایسته است با رعایت نکات ذیل بهنحوی به نیازهای خود بپردازیم که با امنیت و آرامش بیشتری از زندگی خود لذت ببریم.

پیمایش این الگو از مرحله یک تا ششم و تمرین روزانه آن به ما کمک میکند تا الگوی مناسبی برای فرزندان باشیم، همچنین استفاده از این الگو در سنین نوجوانی و جوانی موجب افزایش خویشتنداری و حیاء نیز در آنها خواهد شد و در بزرگسالی فرزندان ما را نسبت به رعایت حیاء توانمند خواهد نمود.

والدین گرامی !

نکاتی چند در خصوص رفتارهای ناهنجار بعضی از نوجوانان و جوانان قید میگردد تا در صورت فراهم بودن شرایط، تذکر و اثربخشی آن از این موضوعات استفاده نموده و به فضل خدا مثمرثمر باشیم.

نکاتی برای آقایان !!!

چنانچه آقا هستید، آرایش زنانه نداشته باشید و از لوازم زینتی مخصوص بانوان استفاده نکنید و همچنین برداشتن ابرو، بلند کردن ناخن، استفاده از گردنبند و انگشتر طلا، زیبنده یک مرد نیست! انسانهای شریف و خردمند، هرگز ما را

به خاطر پوشیدن لباسهای تنگ و بدننما یا رفتارهای زنانه، تحسین نخواهند کرد.

نکاتی برای خانمها!!!

محارم، خصوصاً همسر شما، مناسبترین فرد برای مشاهده و تحسین زیبایی شماست.

اما چنانچه خانم هستید، زینت خود را در برابر مردان نامحرم به نمایش نگذارید. یادتان باشد شما ارزش و شخصیت انسانی دارید؛ پس با آرایش کردن، لاک زدن و لباسهای زینتی و جذاب، خود را مانند یک عروسک به نمایش نگذارید! همگان نباید به یکسان حق دیدن زیباییهای شما را داشته باشند و تا وقتی فردی لیاقت دیدن شما را ندارد، این حق را به او ندهید. محارم، خصوصاً همسر شما، مناسبترین فرد برای مشاهده و تحسین زیبایی شماست.

7. مرحله هفتم؛ عفت در روابط با نامحرم:

به طور طبیعی، گرایش و جاذبه بین زن و مرد وجود دارد که این جاذبه برحسب نیاز زن و مرد به یکدیگر است. چرا که بنا به فرموده قرآن کریم:

﴿وَ مِن ءایاتِه اَن خَلَقَ لَکُم مِن اَنفُسِکُم اَزواجاً لِتَسکُنُوا اِلَیها وَ جَعَلَ بَینَکُم مَوَدَهً وَ رَحمَهً اِنَّ فی ذلِکَ لَأیاتٍ لِقَومٍ یَتَفَکَّرُونَ﴾

و از جمله نشانههای او این که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد. آری در این [نعمت] برای مردمی که میاندیشند نشانههایی است.(1)

1- رم /21

لذا این گرایش زمینهٔ ازدواج و تشکیل خانواده را نیز فراهم میکند. اما چنانچه عواطف و احساسات، لجام گسیخته شود و در محیط اجتماعی بهجای کار، تحصیل و ارتباطات انسانی، ارضاء غرایز و غلبهٔ خواسته های نفسانی حکمفرما باشد، طبیعی است که خردمندی و عقلانیت از جامعه دور خواهد شد و بدینوسیله مشکلات فراوانی دامن گیر ما خواهد گردید. روابط مدیریت نشده، علاوه بر فروپاشی نهاد خانواده و ایجاد تلاطمات روحی و روانی در افراد، اختلال در زندگی اجتماعی جامعه ما را نیز به وجود خواهد آورد.

پسندیده است عفت در فکر، نگاه، گفتار، شنیدار، پوشش و زینت را در رابطه با نامحرم رعایت کنیم.

لذا پسندیده است عفت در فکر، نگاه، گفتار، شنیدار، پوشش و زینت را در رابطه با نامحرم رعایت کنیم؛ از هرگونه ارتباط فیزیکی از قبیل دست دادن با نامحرم، بپرهیزید.

اگر خانم هستید، حتی مراقب راه رفتنتان نیز باشید که موقرانه و به دور از تحریک دیگران باشد و پوشش خود را به نحوی انتخاب کنید تا شخصیت انسانی شما موردتوجه قرار گیرد و نه جنسیت شما!! متأسفانه هستند افرادی هرچند کم، اما مریض دل که با کوچکترین بهانه ای نگاههای شیطانی خود را به سمت شما بدوزند.

به یاد داشته باشید که در صورت عدم رعایت عفاف در رابطه با نامحرم، جنسیت جای انسانیت را در روابط خواهد گرفت و با حاکم شدن احساسات و غرایز به جای عقل و عشق، درهمتنیدگی بین غریزه جنسی و قوای عاطفی طرفین به وجود میآید که در بسیاری از مواقع، تفکیک آن امکانپذیر نبوده و خدای ناکرده، خسارتهای روحی و روانی جبران ناپذیری را برای شما رقم خواهد زد.

ص: 57

ص: 58

بخ_ش دوم:فاص_له سلامت_ی چ_یست؟

فاصله سلامتی به چه معنایی است؟

فاصله سلامتی به معنای حد نگهداشتن در ارتباط با جنس مخالف است.

والدین گرامی! منظور از فاصله سلامتی، حد نگهداشتن در ارتباط با جنس مخالف است؛ این حد نگه داشتن بهنحوی است که سلامت روح و روان، شخصیت و عزت نفس شما و طرف مقابلتان حفظ شود. فاصله سلامتی، حاکمیت حیاء و تعقل در روابط با جنس مخالف و تلاش برای برقراری ارتباطی سالم است.

رعایت فاصله سلامتی بهمعنی احترام گذاشتن به حریم دیگران و خود است؛ همچنین میتواند رعایت یکی از حقوق اجتماعی افراد نیز تعریف شود.

بنابراین با بهکارگیری این واژه و عملی ساختن آن، میتوانیم محافظی نامرئی از جنس حیاء پیرامون شخصیت خود داشته باشیم و ثانیاً به شخصیت دیگران نیز آسیب نزنیم.

چگونه فاصله سلامتی را برای فرزندانمان شرح دهیم؟

اگر فاصله سلامتی را برای کودکان و نوجوانان از دریچه مراقبت و کنترل آنها شرح دهید احساس فرزند ما این خواهد بود که چون از دیگران ضعیفتر است، باید مراقب خود باشد؛ لذا نتیجهٔ این کار معکوس خواهد شد و فرزند را به تهور، هنجارشکنی و یا به تزلزل شخصیت وادار میکند. بنابراین باید فاصله سلامتی را برای کودک و نوجوان اینگونه شرح دهیم که در اجتماع، افراد بیماردلی یافت میشوند که بدون توجه به شخصیت ما، ممکن است رفتار نادرستی از خود بروز داده و به ما آسیب روحی یا جسمی وارد کنند؛ پس ما میتوانیم قبل از بروز هر اتفاق ناخوشایندی، با رعایت فاصله سلامتی، خود را از آن فرد دور نگه داریم.

همه ما از ارتباط صمیمی با خواهر و برادر خود لذت میبریم و کنار هم زندگی میکنیم و از عمده مسائل بین ما و آنها در محیط خانواده مطلع هستیم، بسیار دوستانه صحبت میکنیم و کنار هم مینشینیم، اما در خصوص دخترخاله و یا پسرعمه اینطور نیست؛ مقدار صمیمیت، مطلع بودن از مسائل یکدیگر و حتی فاصله نشستن کنار یکدیگر متفاوت است.

حال یک فرد کاملاً غریبه را با دخترخاله و پسرعمه خود مقایسه کنید. چقدر تفاوت بین رفتار شما با خواهر و برادر- دخترخاله و پسرعمه و یک فرد غریبه وجود دارد؟! مقدار، کیفیت و کمیت این تفاوت در رفتار را فاصله سلامتی میگوییم.

فاصله سلامتی یعنی رعایت حدود و حقوق خود و دیگری، بهنحویکه عواطف طرفین تحریک یا جریحه دار نشود.

والدین گرامی از مثالهای زیر میتوانید برای توضیح فاصله سلامتی برای

فرزندان نوجوان خود استفاده کنید:

مثال:

اگر به قصدِ تفریح و گردش به کوهستان برویم و کنار نهر آبی ساکن شویم، قطعاً قدری از رود فاصله خواهیم گرفت و به پرتگاههای کوه نیز نزدیک نخواهیم شد. این نوع مراقبت از خود، بهمعنای ضعف ما نیست؛ بلکه به این معناست که این دو خطرناک هستند!

مواقعی پیش خواهد آمد که ما مجبور میشویم با جنس مخالف خود ارتباط داشته باشیم، اما نباید این نکته را فراموش کنیم که بعد از اتمام کارمان، آن فرد را ترک نموده و بهکار خود مشغول شویم.

دلیلی ندارد که با جنس مخالف ارتباط بیشتر از ضرورت داشته باشیم. بنابراین: فاصله سلامتی یعنی رعایت حدود و حقوق خود و دیگری، بهنحوی که عواطف طرفین تحریک یا جریحهدار نشود.

اعضاء خصوصی بدن

والدین گرامی لازم است از سن سه سالگی فرزند خود را نسبت به خودِجنسیتی آشنا کنند و همچنین برای فرزند خود شرح دهند که شما اسبابازی دارید و باید مراقب آن باشید. شما کفش دارید و باید مراقب آن باشید؛ همچنین دست، پا و چشم دارید و باید از آن مراقبت کنید؛ لذا نحوه مراقبت از اعضاء بدن را به فرزند خود آموزش دهید و بعد از این مرحله به فرزند خود آگاهی دهید که هر انسانی دارای اعضاء خصوصی در بدن میباشد که هیچگاه نباید آن را به کسی نشان دهد و هیچکس هم نباید از او بخواهد که آن را ببیند؛ البته او هم نباید عضو خصوصی هیچ کودکی را مشاهده یا لمس کند.

به او آگاهی دهید که در پارک و محل بازی یا همچنین در میان دوستان و اقوام نیز کسی حق ندارد به عضو خصوصی او دست بزند و اعضاء خصوصی باید همیشه پوشیده باشند؛ حتی در استخر.

و اگر کسی قصد داشت عضو خصوصی او را لمس کند، حتماً با صدای بلند نه بگوید و بلافاصله بدون آنکه بترسد و خجالت بکشد، موضوع را به پدر و مادر خود اطلاع دهد.

اعضاء خصوصی بدن عبارتند از ناحیه باسن، آلت تناسلی و سینه. بعد از آموزش مطلب فوقالذکر به فرزند خود گوشزد کنید فقط والدین، پزشکان و پرستاران میتوانند اعضاء خصوصی بدن آنها را لمس کنند یا اینکه آن را ببینند؛ چراکه مانند پدر و مادر مهربان بوده و قصد کمک به آنها را دارند. اما بهجز این چند نفر، بقیه مردم و اطرافیان نباید عضو خصوصی آنها را لمس کرده یا به آن نگاه کنند.

به والدین عزیز تأکید میکنیم آموزش اعضاء خصوصی بدن مختص فرزند دختر نبوده و به فرزندان پسر نیز باید آموزش داده شود.

تشویق و انگیزه دهی

در دنیای بزرگسالی یادگیری مطالب مفید همراه با لذت است و این یادگیریها الزاماً تبدیل به رفتار خواهد شد.

بزرگسال میداند آنچه برای او مفید است را انجام دهد و از منابع آن نیز برخوردار خواهد شد، لذا نیاز چندانی به تشویق و ترغیب ندارد، اما کودکان برخلاف بزرگسالان از خواص رفتارهای مفید آگاه نیستند، بنابراین والدین میکوشند این رفتارها را به آنها آموزش داده و آنها را نسبت به تبعات مثبت این رفتارها آگاه سازند.

حال اگر این آگاه سازی همراه با تشویق رفتارهای درست فرزندان باشد

احتمال تکرار رفتارهای درست نیز افزایش خواهد یافت و به مرور تبدیل به عادات مثبت آنها خواهد گردید. همچنین ترغیب فرزندان به رفتارهای آمیخته با حیاء موجب افزایش کمی اینگونه رفتارها خواهد شد.

والدین گرامی!

بهترین راه ترغیب فرزندان برای این رفتارهای مثبت الگوپذیری فرزندان است؛ یعنی کودکان و نوجوانان با مشاهده رفتارهای آمیخته با حیاء توسط والدین از آنها میآموزند و آن رفتارها را تکرار میکنند، لذا به والدین گرامی توصیه میکنیم از دو اصل تشویق و ترغیب فرزندان غافل نباشید.

* تحسین کودک و نوجوان در جمع دوستان و اقوام.

* هدیه به کودک.

* زمینهسازی شرایط تفریح و سرگرمی.

* تهیه کالای دوست داشتنی.

اینها مواردی است که توسط آن میتوان کودکان را تشویق نمود تا امورات مربوط به حیاء را بیشتر و بهتر رعایت نمایند.

سؤال؟

آیا تشویق فرزندان در حضور جمع فامیل و اقوام و دوستان پز دادن محسوب نمیشود؟

در پاسخ باید گفت خیر، پز دادن و فخرفروشی زمانی صدق میکند که شما شخصی را تحقیر و خود را فردی متشخص بدانید و با گفتار یا رفتارتان این تصور را بازگو کنید.

حال آنکه صحبت کردن در مورد فرزندی که به حیاء پایبند است در واقع تشکر از اوست و همچنین تشکر از خدای متعال که چنین فرزندی را به شما

عنایت فرموده است. این فرزند قطعاً نعمت الهی است؛ لذا میتوان در مورد نعمات الهی صحبت نمود. خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید:

﴿وَ اَمّا بِنِعمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّث﴾

و موهبت پروردگارت را بازگو.(1)

لذا این موضوع ارتباطی با پز دادن نداشته و حتی موجب میشود فرزند با حیاء نسبت به مراقبت از خود کوشاتر باشد؛ چراکه اطرافیان او با نگاه ویژهای به او می نگرند.

1- ضحی /11.

ص: 65

ص: 66

بخ_ش سوم:مت_انت چ_یست؟

متانت یعنی چه؟

اگر بتوانیم بر خوشحالی افراطی، ترس و عصبانیت خود کنترل داشته باشیم، بهعنوان فردی متین شناخته خواهیم شد.

متانت یعنی خویشتنداری و کنترل هیجانات و هوسهای زودگذر. اگر بتوانیم بر هیجانات و احساسات خود کنترل داشته باشیم، قطعاً در مقابل مسائل روزمره زندگی عکسالعمل مناسبی نخواهیم داشت؛ لذا به شخصی عجول و پراشتباه تبدیل خواهیم شد؛ پس به مرور زمان شخصیت اجتماعی خود را از دست داده و نمیتوانیم در بین دوستان و اطرافیان خود تأثیرگذار باشیم.

بهمنظور جلوگیری از این پیشامد ناگوار، پیشنهاد میکنیم به احساساتی که عمده خطاهای رفتاری ما را تشکیل میدهند، اهمیت داده و نسبت به ظاهر ساختن آنها در بین دیگران، از قدرت خویشتنداری بیشتری استفاده کنیم. این احساسات عبارتند از:

- خوشحالی افراطی

- ترس

- عصبانیت

اگر بتوانیم بهنحو شایستهای بر این احساسات خود کنترل داشته باشیم، بهعنوان فردی متین شناخته خواهیم شد.

مرحوم ملا احمد نراقی (رحمهالله علیه) در کتاب معراج السعاده در باب توضیح متانت و وقار میفرمایند:

«ضد صفت عجله وقار است و آن عبارت است از اطمینان نفس و سکون آن در گفتار و کردار و حرکات و سکنات پیش از آن که شروع در یکی از آنها کند و بعد از آن تا هر جزئی از آن کار به موافق فکر و تدبیر بهجا آورد و تأمل نمودن پس از شروع را توقف گویند و تأمل بعد از آن را تأنی و انائت نامند.

ضد صفت عجله وقار است.

پس وقار شامل این هر دو است و آن نتیجهٔ قوتنفس و پر دلی است و از شرایف صفات و فضایل ملکات است بلکه از اخلاق حسنه-کم صفتی است که به شرافت این صفت رسد و به این حیث انبیاء و برگزیدگان خدا را با این صفت مدح میکنند و در مدح سرور پیغمبران، صاحب الوقار و صاحب السکینه گفتهاند و در نظر مردم هیچ صفتی آدمی را مانند این صفت شریف و عزیز نمیکند»(1)

1- نراقی .ملااحمد .معراج السعاده.باب توضیح متانت ووقار.

والدین گرامی !

وقار و متانت را نه یک محدودیت، که یک صفت ارزشمند بدانند.

شایسته است صفت وقار در گفتار و رفتار به فرزندان آموزش داده شود و خصوصاً به دختر خانمها یادآوری شود که هرچه وقار و متانت در رفتار یک خانم مشهودتر باشد، احترام بیشتری را دریافت خواهد کرد.

لذا وقار و متانت را نه یک محدودیت، که یک صفت ارزشمند بدانند. همه جا حضور داشتن، در مورد همه چیز صحبت کردن و با همه بودن شایسته مقام و منزلت یک بانوی ایرانی نیست.

سعدی شیرازی حکایت میکند:

«صاحب دلی را گفتند بدین خوبی که آفتابست، نشنیدهام که کسی او را دوست گرفته است و عشق آورده، گفت: برای آن است که هر روز میتوان دید مگر در زمستان که محجوب است و محبوب.»

به دیدار مردم شدن عیب نیست ولیکن نه چندان که گویند بس

اگر خویشتن را ملامت کنی ملامت نباید شنیدن ز کس(1)

اموری که باید در آنها متانت داشته باشیم، شامل چه مواردی است؟

اشاره

حال این سؤال پیش خواهد آمد که در چه اموری باید متین بودن خود را حفظ نمود؟ ! در پاسخ، به سه محور اساسی اشاره مینماییم:

1- گلستان سعدی .باب دوم دراخلاق درویشان .حکایت 29.

احساسات:

فقط والدین هستند که در تمام شادیها و ناکامیهای فرزندان خود حضور دارند.

همۀ انسانها خوشحال یا عصبانی میشوند، اما شیوۀ برونداد آن احساس نزد همه یکسان نیست. میتوان عصبانی شد، اما عصبانیت خود را کنترل نمود؛ میتوان شاد شد و ابراز شادی خود را کنترل نمود.

بهعنوان یک مطلب تربیتی خوب است برای فرزندان توضیح داده شود که قرار نیست اطرافیان به همه احساسات ما عکسالعمل نشان دهند؛ مثلاً قرار نیست چون ما خوشحال هستیم، آنها نیز به اندازه ما خوشحال باشند و اگر ما ناراحت بودیم، دیگران هم به اندازه ما ناراحت باشند!

البته این بدان معنا نیست که دیگران از ناراحتی ما خوشحال میشوند! بلکه به این معناست که اطرافیان در بخشی از ناراحتی و خوشحالی ما قرار دارند، و فقط والدین هستند که در تمام شادیها و ناکامیهای فرزندان خود حضور دارند.

لذا لازم نیست فرزندان ما همه مسائل خود را در مقابل دیگران بازگو کنند و از شکستها یا موفقیتهای خود بگویند؛ این گفتوگوها نیاز به افرادی کاملاً قابل اعتماد و صمیمی دارد و هیچکس برای فرزندان از والدین قابل اعتمادتر نیست.

لذتگرایی:

لذت بردن شاید عمده دلیل ما برای انجام کارهای مختلف باشد، اما نمیتوان آنرا دلیل کافی برای انجام هر کاری دانست. چراکه برخی اقدامات ممکن است لذت شخصی داشته باشد، اما دیگران را با مشکل روبه رو نموده و موجب پایمال شدن حقوق آنها گردد یا حتی گاهی اوقات ممکن است برای مدت کوتاهی

احساس لذت داشته باشیم اما بعد از اتمام هیجان و لذت زودگذر، مدت طولانی را نتوانیم بهصورت عادی زندگی کنیم و یا خسارات بزرگی به زندگی و آیندهٔ خود وارد کنیم.

بنابراین لذت را باید بهگونهای در امور زندگی خود دخالت دهیم که دو خاصیت اصلی آن محفوظ باشد:

1- به خود و حقوقمان آسیب نزنیم.

2- به دیگران و حقوق آنها آسیب نزنیم.

به مثالهای زیر دقت کنید:

مثال:

افرادی از رانندگی با سرعت بالا لذت میبرند و دچار هیجان میشوند. لذا برای ایجاد حس لذت، ممکن است خیابان را با پیست اتومبیلرانی یکی بدانند. این افراد توجهی به حقوق دیگران ندارند و به خود نیز آسیب میرسانند؛ پس میتوان گفت چنین افرادی متأسفانه متین رانندگی نمیکنند.

مثال:

بعضی اشخاص دوست دارند بهصورت گروهی برای خرید یا دیگر کارها اقدام نمایند. بنابراین طبیعی است از دور هم بودن، خوشحال بوده و جملات محبتآمیز بین آنها ردوبدل شود و یا حتی با هم شوخی کنند. حال اگر این جمع دوستانه در بروز احساسات خویش از قبیل خندیدن، هیچ کنترلی بر خود نداشته باشند و لذت چند ساعت با هم بودن را بر متین بودن در اجتماع ترجیح دهند، در چگونگی روابط اجتماعی خود با دیگران دچار مشکل شده و افراد ناخویشتندار را به خود جذب مینمایند. پس میتوانیم بگوییم آنها متین رفتار نمیکنند!

ارائه زیبایی:

آفریدگار ما زیباست و زیبایی را دوست دارد. همه ما انسانها بهطور فطری، خواهان زیبایی هستیم و از دیدن زیبایی لذت میبریم و از اینکه بتوانیم خالق زیبایی باشیم، به خود میبالیم و برای خود فضیلتی را فرض میکنیم. حال اگر همین گرایش به زیبایی و بروز آن کنترل نشده و بدون تعقل انجام گیرد، نتیجهٔ نازیبایی را خواهد داشت.

انسان، هم به لحاظ نحوهٔ خلقت در زمینهٔ خُلقیات روحی-روانی و هم به لحاظ جسمی، بسیار زیبا آفریده شده است و طبیعی است که بخواهد زیبایی خود را نیز به دیگران نشان دهد؛ لیکن باید با راهکار مناسب و معقول آن نیز آشنا شود.

منظور از کنترل و خویشتنداری این نیست که ما بخواهیم زیبایی خود را محدود کنیم، بلکه منظور این است که بتوانیم بروز آنرا کنترل کنیم.

چند دلیل منطقی و شاید هم احساسی برای متین بودن در زمینهٔ بروز زیبایی:

1- همه انسانها دارای زیباییهای روحی، اخلاقی و جسمی هستند؛ لذا نباید تصور کنیم که فقط ما هستیم که از کلیه نعمت زیبایی خدادادی برخورداریم.

2- زیبایی جسمی براثر گذشت زمان، روزبهروز کمتر خواهد شد، اما زیبایی روحی و اخلاقی همیشه ماندگار است. افرادی که همواره بهدنبال بروز زیبایی ظاهری خود هستند، بعد از مدتی اعتمادبهنفس خود را از دست داده و دائم بهدنبال تأیید نظر دیگران خواهند بود یا اینکه غم و اندوه و افسردگی فضای روانی آنها را تصرف خواهد کرد.

3- اطرافیان ما در مقابل مشاهده زیبایی ظاهری عکسالعملهای متفاوتی خواهند داشت؛ اعضاء خانواده با مشاهده آراستگی و زیبایی یکدیگر زبان به تحسین می گشایند و خوشحال می شوند، دوستان و نزدیکان نیز ممکن است

با لبخند ابراز رضایت کنند اما افراد غریبه چطور؟ آنها چه عکس العملی ممکن است از خود نشان دهند؟

بعضی از مردم فقط به زیبایی ظاهری اهمیت میدهند و دلیل دوست داشتن دیگران را همین زیبایی میدانند؛ لذا طبیعی است که با گذشت زمان نه چندان زیادی اشخاص برای آنها عادی و تکراری شده و بهدنبال کسی دیگر خواهند رفت. پس شایسته است در بروز زیباییهای ظاهری و آراستگی خود متین و موقر رفتار کنیم.

4- تظاهر به زیبایی همیشه ساده نبوده و برای اینکار بعضی افراد مجبور میشوند از پوشش و آرایشهای نامتعارفی استفاده کنند که هیچ سنخیتی با اخلاق و شخصیت آنها ندارد، که متأسفانه با این کار شبیه معدود افراد نابخرد و ناهنجار جامعه میشوند؛

لذا ثمرهٔ بروز زیبایی خود را در اجتماع جز با واکنش ناشایست دیگران دریافت نمیکنند.

پیشنهاد میکنیم در شیوهٔ آراستگی پوشش خود، بهگونهای عمل کنید تا شایسته بهترین عکسالعملهای اجتماعی باشید.

نکته !!!

چند نکته بسیار مهم در خصوص حیاء و متانت، ویژه والدین گرامی:

1. شخصاً وظایف خانوادگی و اجتماعی خود را در خصوص موضوع عفاف رعایت نمایید. ما والدین، اولین الگوهای تربیتی فرزندان خود هستیم و آنها بیشتر از آن که از آموزشهای گفتاری ما بهرهمند شوند، رفتارهای ما را مشاهده نموده و بهطور غیرمستقیم، انواع رفتارهای شخصی و اجتماعی را از ما والدین فرامیگیرند.

2. محل خواب خود را از محل خواب فرزندان جدا کنید. هرگز از محل مشترک برای خواب استفاده نکنید و در صورتی که فرزندان شما جنس

مخالف هم هستند، بعد از پنجسالگی اتاق خواب آنها را از هم جدا کنید.

ما والدین، اولین الگوهای تربیتی فرزندان خود هستیم.

سؤال؟

فرزندانی هستند که حتماً باید در ابتدای شب نزد والدین باشند و بخوابند یا اینکه نیمه شب به محل خواب والدین مراجعه میکنند؛ با این کودکان چه رفتاری باید داشته باشیم؟

به این دسته از والدین پیشنهاد میکنیم فرزند را در محل خواب خود بخوابانند و مدتی را نزد او باشند تا کاملاً به خواب رود. در صورت مراجعهٔ دوباره وی، او را به محل خوابش بازگردانده و مدتی نزد او باشید تا مجدداً به خواب رود. این دسته از والدین درصورت تحمل و برخورد مهربانانه با فرزند، مشاهده خواهند نمود که مشکل فوقالذکر در بسیاری از مواقع سریعاً رفع خواهد شد.

3. والدین عزیز! به فرزندان از کودکی بیاموزید با اجازه وارد اتاقتان شوند. این موضوع در مراتب تربیت فرزند از اهمیت ویژهای برخوردار است؛ لذا خداوند متعال نیز در قرآن کریم به آن اشاره نموده است:

﴿وَ اِذا بَلَغَ الاَطفالُ مِنکُمُ الحُلُمَ فَلیَستَأذِنُوا کَمَا استَأذَنَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُم ءایاتِه وَ اللّهُ عَلیمٌ حَکیمٌ﴾

و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید همانند کسانی که پیش از ایشان [درهمین شرایط] اجازه میگرفتند، کسب اجازه کنند. خدا آیات خود را اینگونه برای شما بیان میکند، و خدا دانای حکیم است.3(1)

1- نور/59.

برحسب تجربه میتوان گفت عدم رعایت این موضوع زمینه خسارات تربیتی را برای فرزند فراهم میکند که هیچگاه قابل جبران یا ترمیم نخواهد بود.

4. والدین گرامی، خصوصاً مادران محترم، توجه فرمایند که از آویختن لباسهای زیر در تمام نقاط منزل خودداری کنید و برای اینکار، محل مشخصی را انتخاب نمایید که دور از چشم فرزندان بوده و در فضای متعارف و محل رفتوآمد اهل منزل نباشد.

5. رفتوآمدهای خویشاوندی و دوستانهٔ خود را بهنحو درستی مدیریت کنید. خوب است بهعنوان یک فرد عاقل از خود سؤال کنید

آیا از درستی یک ارتباط خانوادگی که انجام میدهید، مطمئن هستید؟ ! چند لحظه تفکر و پاسخ به این سؤال به ما کمک میکند تا بتوانیم تصمیمات مثبتی را اتخاذ نماییم. روابط خویشاوندی، در صورت مدیریت، سودمند بوده و در غیر اینصورت، آسیبهای ناشی از آن بهمراتب از آسیبهای افراد غیرفامیل بیشتر خواهد بود.

6. فرزندان خود را در ساعتهای خلوت، خصوصاً هنگام ابتدای شب، برای خرید یا هر کار دیگری به بیرون از منزل نفرستیم. (رعایت مورد ذکر شده این بند، در مورد فرزندان دختر با دقت نظر بیشتری رعایت شود.)

7. در میهمانیها و مجالس منافی عفت و اخلاق شرکت نکنید و کودکانتان را با افرادی که نسبت به حیاء و رعایت عفت خود بیتوجه هستند، همنشین نسازید.

8. همسر و پدر با غیرتی باشید. پدر خانواده، متولی رعایت عفاف در خانوادهٔ خویش است؛ یعنی علاوهبر رعایت عفاف به معنای مراقبت از خود، غیرت هم دارد که معنی آن مراقبت از اعضاء خانواده در برابر دیگران است که این امر جز با رعایت اصول و موازین اخلاقی و اجتماعی، حاصل نخواهد شد.

پدر خانواده، متولی رعایت عفاف در خانوادۀ خویش است.

9. به فرزندان خود نکات ظریف مربوط به عفاف را آموزش دهید. فرزندان علاوهبر آنکه از عملکرد شما آموزش میگیرند، به آموزشهای مستقیم هم نیاز دارند. بهعنوان یک وظیفه انسانی قبل از سن تکلیف، فرزندان خود را با مفاهیم فطری و اجتماعی از قبیل: لزوم حفظ نگاه، رعایت پوشش مناسب و رعایت حقوق دیگران، همراه با استدلال، منطق و احساسات، البته متناسب با سن و جنسیت آنها، آشنا کنید.

10. به یاد داشته باشید فرزندان در سنین کودکی و نوجوانی، نیازمند این هستند که ضرورت رعایت عفاف را بدانند و همراه با کسب توانایی در زندگی شخصی، مراوده و ارتباطات صحیح اجتماعی را نیز بیاموزند.

بنابراین اگر در این دوره نسبت به آموزشهای فوق اقدام نکنید، در دورۀ جوانی، فشارهای روحی و روانی زیادی را باید تحملکنید. پیشنهاد میکنیم امور زندگی اجتماعی مربوط به دختران را مادرها و امور مربوط به پسران را پدرها به آنها آموزش دهند؛ البته در این خصوص میتوانید از مشاور امین و متخصص نیز راهنمایی بگیرید.

ص: 77

ص: 78

بخ_ش چهارم:ح_جاب چ_یست؟

اشاره

درتوضیحات گذشته به موضوعی اشاره شد بهنام حجاب (پوشش)؛ موضوعی که شاید در اولین برخورد، واژهای مذهبی و صرفاً اسلامی و زنانه تلقی شود. اما بهراستی حجاب را اینگونه معنی کردن و کاربرد آن را فقط برای بانوان دانستن، اقدام صحیحی است یا نه؟! برای روشنتر شدن موضوع، لازم است توضیحات مختصری را ارائه نماییم.

حجاب چیست؟

حجاب یعنی آنچیزی که ما بین تو و دلخواه تو قرار دارد؛ لذا حجاب میتواند مادی و یا حتی معنوی باشد.

حجاب یعنی چه؟ حجاب در لغت بهمعنی پرده، رداع، مانع و سد است؛ همچنین حجاب بهمعنی حائل بین دو چیز میباشد.

در اصطلاح کلامی، حجاب یعنی آنچیزی که ما بین تو و دلخواه تو قرار دارد؛ لذا حجاب میتواند مادی و یا حتی معنوی باشد. مثلاً فردی دوست دارد

مهربان باشد و با مردم مراوده داشته باشد اما بداخلاقی او حجابی است بین او و آنچه دوست دارد، اما در این کتاب و در موضوع حجاب منظور ما از حجاب پوشش است؛ یعنی چیزی که بین ما و دیگران قرار میگیرد تا مانع آسیب دیدن شخصیت ما باشد.

ابعاد حجاب

کاربرد حجاب چیست؟

حجاب کارکردی عقلی و اجتماعی است که در اشکال و صورتهای گوناگون و قواعد مختلف در تمامی تمدنهای گذشته و حال، وجود داشته و دارد که البته تمام ادیان الهی آن را تأیید نموده و در بسیاری از جوامع غیردینی نیز به لحاظ قانونی بر آن تأکید شده است.

لذا در جامعه امروزی کشورمان موضوع حجاب امری پسندیده بوده و موضوع رعایت حجاب مثبت و قابل تشویق است.

حتی در کشورهای دیگر نیز حجاب بهنحوی وجود دارد و قسمتی از قوانین آن کشور است. بنابراین در جوامع غربی موضوع حجاب کاملاً آزاد نیست و در محیطهایی نسبت به رعایت آن حمایتهای زیادی وجود دارد.

به عنوان نمونه در محیط دانشگاه نسبت به موضوع پوشش و حجاب قوانین مشخص و لازم الاجرایی وجود دارد و شرکتها و مؤسسات بسیاری برای کارمندان خود قوانین پوششی سختگیرانهای دارند.

بهعنوان نمونه، جامعهای مانند دانشگاه را در نظر بگیرید. حال این دانشگاه را در یک کشور غربی ظاهراً آزاد (از نظر پوشش) تصور کنید. بهنظر شما، در این دانشگاه هر کس با هرجنسیتی میتواند به هر صورتی لباس بپوشد؟ ! خوب است به بعضی از قوانین دانشگاههای غربی مراجعه کنیم:

مقررات مربوط به پوشش، دانشگاه آکسفورد (انگلستان):

- زنان باید ظاهری آراسته و مناسب داشته باشند. لباس زنان نباید پشتباز یا بدون آستین، تنگ و بالای زانو باشد. اندازهٔ لباس، دامن و شلوارک باید تا زانو باشد.

- مردان باید ظاهر مناسب و تمیز داشته باشند. لباس باز و بدننما، نامناسب است. اندازه شلوارک باید تا زانو باشد. مو باید رنگ طبیعی داشته باشد و از مدلهای افراطی پرهیز شود. ریش بزی، گوشواره و دیگر موارد مشابه، غیرقابل پذیرش است!

و اما مقررات دیگر دانشگاهها:

- دانشگاه لایبرتی آمریکا: موی دماسبی و هرگونه پوشش تنگ و مخالف عفت، ممنوع است.

- دانشگاه لومالیندا آمریکا: تیشرت و لباسهای لی، مجاز نیست.

- دانشگاه هاردین سیمونز آمریکا: لباس لی برای دختران و شلوارهای تنگ، ممنوع است.

- دانشگاه سنت لوئیس آمریکا: پوشیدن تیشرت و لباسهای لی، مجاز نیست.

- دانشگاه آتلانتیک فلوریدا آمریکا: رنگ کردن مو مجاز نیست.

دامنه حجاب چگونه است ؟ (دلایل حجاب خانم ها)

خانمها ذاتاً از زیبایی بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و طبیعی است که در حفظ این زیبایی باید کوشاتر باشند.

حجاب از یک تعریف حداقلی و حداکثری برخوردار است که اختلافنظر در خصوص حجاب، حداکثری است و نه حداقلی. حجاب پوششی است که توسط

آن، زنان نشان میدهند وسیله لذت مردان نیستند!

البته لباس و پوشش آقایان نیز قسمتی از حجاب ایشان تعریف میگردد و تقریباً در تمامی فرهنگها و ملتهای متمدن، مردان با لباس پوشیده دیده میشوند. البته شایان ذکر است تأکید بر حجاب خانمها دو دلیل عمده دارد:

1- خانمها ذاتاً از زیبایی بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و طبیعی است که در حفظ این زیبایی باید کوشاتر باشند.

2- برحسب نوع خلقت، آقایان نسبت به خانمها کنترل کمتری بر احساسات خود دارند؛ لذا خداوند متعال در دستور خود به بانوان محترم، ضمن اشاره به ضعف برخی مردان در این موضوع، از خانمها خواسته است تا خود را بهنحو شایستهای بپوشانند تا مورد آزار و اذیت مردان بیمار (شخصیتی) قرار نگیرند.

یآ اَیُّهَا النَّبِیُّ قُل لِاَزواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ المُؤمِنینَ یُدنینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلابیبِهِنَّ ذلِکَ اَدنی اَن یُعرَفنَ فَلا یُؤذَینَ وَ کانَ اللّهُ غَفُوراً رَحیماً

ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را برخود بپیچند. این برای آنکه [به عفیف بودن] شناخته شوند و مورد تعرض قرار نگیرند، نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است.(1)

حجاب در مکانهای مختلف، چگونه است؟

حجاب و پوشش، خود بیانگر شرایط و محیط زندگی بوده؛ لذا طبیعی است که در اماکن مختلف، از لباسهای متفاوتی استفاده کنیم مانند: محل کار، استخر، کوهپیمایی، عروسی و ... که هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد در تمامی این اماکن، از

1- احزاب /59

یک نوع لباس و پوشش استفاده کنیم.

ما انسانها در فصل تابستان و زمستان، دارای لباس یکسانی نیستیم! پس چگونه میتوان در محیطهای شخصی مثل خانه، همانند محیط عمومی مثل خیابان لباس بپوشیم؟! البته نباید فراموش کرد که میتوان در عین رعایت حجاب و پوشش، از زیبایی آن نیز برخوردار بود. خداوند متعال، عادلتر از آن است که امری زیبا را مانند حجاب همراه با روشی زشت سفارش نماید؛

پس میتوان با استفاده از خوشسلیقگی و رعایت حدود الهی، محجوب و متین در محیطهای مختلف اجتماعی ظاهر شد.

و این نکته را به فرزندان نیز آموزش داد که ضمن رعایت پاکیزگی، زیبایی و آراستگی لباس، شرط پوشیده بودن نیز باید رعایت شود؛ همچنین به فرزندان خود در خصوص انتخاب رنگ نیز راهنمایی لازم را ارائه نمایید. هر چند این بحث عموماً سلیقهای بوده و در بسیاری از موارد منع شرعی برای آن وجود ندارد.

ص: 84

ص: 85

ص: 86

بخ_ش پنجم:س_خ_نی با م_ادر

هر موضوعی که در محیط خانواده مطرح میشود، حتماً به مادران نیز ارتباط دارد. محیط خانه و خانواده جایگاهی است که هرچه یک موضوع مهمتر باشد، یعنی ارتباط آن با مادر بیشتر است وحیاء موضوع مهمی است که حتماً مادر نقش اساسی در این بحث دارد. البته گرچه در مباحث گذشته به نقش پراهمیت پدر پرداختهایم، لیکن فرزندان خانواده ارتباط ویژه با مادران خود دارند و این ارتباط خاص، زمینهساز تربیت آنهاست. وابستگی عاطفی و روحی فرزندان به مادر و همچنین جایگاه همسری ایشان موجب میشود مادر اثرگذارترین فرد در بین اعضاء خانواده باشد. لذا بدینمنظور، بخش ویژهای را به مادران گرامی اختصاص دادهایم تا بتوانیم صریحتر مطالب خود را بیان نماییم.

ضمناً بهمنظور حفظ کرامت مادران محترم و نزدیکی قلم به روحیات این عزیزان، محور نگارش این بخش را عیناً مطالب مکتوب سرکار خانم "بدرالملوک بامداد" از کتاب خانهداری آن مرحومه قرار داده ایم.

ص: 87

ایشان جایگاه مادر در خانواده را چنین توصیف میکنند:

کار زن، ساختن آدم و نهادن بنیاد سعادت عالم است.

«کار زن، ساختن آدم و نهادن بنیاد سعادت عالم است. خانه هرقدر کوچک باشد این خردی از اهمیت آن نمیکاهد و تنها وقتی محیط زن کوچک میشود که فکرش کوتاه و نارسا باشد.

مگر در زیر همین سقفهای کوتاه نیست که بسیاری از اشخاص بزرگ قدم به عالم هستی گذاشتهاند و با قدرت روح بلند خودشان دنیا را اداره کرده یا اوضاع عالم را دگرگون ساختهاند؟ ! مگر درون همین چهاردیواریهای تنگ نیست که نورخوشبختی بیش از آنچه در کاخهای عظیم میتابد نفوذ کرده ساکنین آن را با عیش و شادی قرین ساخته است؟ !»(1)

زن معمار و سازنده دین و اخلاق در خانه و خانواده است.

بانو بامداد در ادامه نقش تعیین کننده مادر در محیط خانواده، به دو اصل اساسی تربیت فرزندان در خانواده اشاره نموده و زن را معمار و سازنده دین و اخلاق در خانه و خانواده میداند:

«مگر در داخل همین خانه های محقر نیست که نهال دین و اخلاق آبیاری شده، سر به فلک کشیده است؟ پس کوچکی خانه موجب پستی و مذلّت نمیشود.

این زنِ نالایق است که وجودش دلکشترین باغهای روی

1- بامداد.بدرالملوک.خانه داری .ص 3.

زمین را برای انسان دلتنگ و غمانگیز میسازد و هرچند زیبا و خوشاندام باشد، در دیدگان شوهر قدر و منزلتی پیدا نمیکند و او را راضی و خشنود نمی سازد.»(1)

بانو بامداد اداره خانواده را همچون اداره کشور مهم و پراهمیت میداند و مادر خانواده را فردی فرهیخته در نظر گرفته و شرایط ویژهای را برای او متصور است:

مادر باید صفات و ملکات نیکو داشته باشد، روش آموزش و پرورش را بداند تا بتواند حق مادری خود را ادا کرده و فرزندانی دانا و توانا تربیت کند.

«اداره کردن خانه طوریکه خانواده بتواند در آن بهراحتی زیست کند، درست مثل انتظام دادن کشور، گذشته از کارهای فنی، محتاج عقل و تدبیر است(2) و برای پرورش روحی و اخلاقی بچهها مادر باید صفات و ملکات نیکو داشته باشد، روش آموزش و پرورش را بداند تا بتواند حق مادری خود را ادا کرده و فرزندانی دانا و توانا تربیت کند.»(3)

مرحومه بامداد در این چند سطر بهنحوی بسیار نغز و موجز خصلتهای یک مادر را در پرورش و تربیت فرزندان بیان نموده است. لطفاً دوباره این

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 3.
2- همان. همانجا.
3- همان .ص 4

خصلت ها را مرور کنید:

1- مادر خانواده باید عاقل بوده و رفتار معمولی داشته باشد؛

2- مادر خانواده باید اهل تدبیر باشد؛ یعنی برنامه ریزی بداند؛

3- مادر، مسئول پرورش روحی و اخلاقی فرزندان است؛

4- مادر باید دارای صفات و عادتهای پسندیده باشد؛

5- مادر باید اهل مطالعه بوده و تربیت فرزندان را فرا گیرد.

خانم بامداد با نگاهی نافذ و دقیق، ابعاد مختلف روحی و اقتضائات گوناگون فرزندان را در نظر گرفته و آسیبپذیری تربیتی آنها را از ناحیه عادات ناپسند مورد اشاره قرار میدهد و به ارائه راه حل میپردازد. ایشان میفرمایند:

«بیشتر عادات ناپسند را انسان در ساعات فراغت از کار و مواقع تفریح کسب میکند.

زن دانا باید در خانه خود برای هرکسی سرگرمیهای متنوع تهیه کند و شوهر و بچههای او اوقات بیکاری را به خوشی بگذرانند تا میل به تفریحهای زیانآور و ناپسند پیدا نکنند.»(1)

بیشتر عادات ناپسند را انسان در ساعات فراغت از کار و مواقع تفریح کسب میکند.

در مباحث گذشته، بارها به نقش تربیتی و آموزشی والدین اشاره نمودیم. مرحومه بامداد نیز از زاویه نگاه تخصصی خود به نقش آموزگاری مادر نسبت به فرزندان پرداخته و چنین میگویند:

«زن بایستی تمام منافع خانواده را از مادی و معنوی پیش نظر

1- بامداد .بدرالملوک .خانه داری .ص 4.

داشته در هر مورد از آنها دفاع کند و تمام هوش و فکر و معلوماتش را در این راه به کار بیاندازد.»(1)

زن دانا آموزگار بچهها، شریک و محرم شوهر و مدیر خانه است و زندگانی مرد را که بهتنهایی نواقصی دارد با وجود خودش تکمیل میکند.

ایشان در امر تربیت، مرد را بهتنهایی ناکارآمد و ناقص میپندارد و از همسر (مادر خانواده) انتظار همراهی و کمک به پدر خانواده را دارد؛ لذا میفرمایند:

«زن دانا آموزگار بچهها، شریک و محرم شوهر و مدیر خانه است و زندگانی مرد را که بهتنهایی نواقصی دارد با وجود خودش تکمیل میکند.

برای اینکه لیاقت انجام این وظایف را داشته باشد، به فرمان عقل و وجدان رفتار میکند و عملاً نشان میدهد که در خانه او هرکس باید از عهده تکلیفش با بهترین شکل برآید.»(2)

خانم بامداد، مادر خانواده را محور خانواده و تجمیع کننده احساسات و عواطف معرفی می نماید. او از مادر خانواده بهعنوان عامل موفقیت و پیشرفت فرزندان، خصوصاً پدر، یاد میکند که همچون یاوری مهربان و امیددهنده، موجب تسلی خاطر همسر میشود. او در اینباره میفرماید:

«همین زن است که با شراره آتش محبت خود، قلب اطفال را

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 4.
2- همان .ص 5.

روشن کرده، حرارت میبخشد. دوستی و تعاون و همبستگی را برقرار میسازد، هروقت روزگار سختی برای آنها برسد، ناخوشی یا بیکاری و سایر ضررهای مادی و معنوی به آنها وارد شود نهتنها بیتابی نمیکند، مثل اشخاص سست اراده به زمین و آسمان ناسزا نمیگوید و از بخت و طالع شکوه نمیکند.

زن است که میتواند از روی درستی ادعا کند که موفقیتهای شوهرش غالباً نتیجه تشویق و تحریک مستقیم اوست.

بلکه همه را تسلی میدهد، تشویق میکند و امیدوار میسازد و میکوشد تا برسختی و بهسختی مسلط شود و روزگار تاریکی را بدل به روشنایی سازد و شادی جای غم را بگیرد.

همین زن است که میتواند از روی درستی ادعا کند که موفقیتهای شوهرش غالباً نتیجه تشویق و تحریک مستقیم اوست. چه هرگاه مرد خیال آسوده و زندگی راحت داشته باشد، به زن و فرزند دلبستگی پیدا کند، ذوق کار و کوشش در او بیشتر میشود و چون روحش شاد است، بهتر میتواند برای ترقی شغل و صفت خود فکر کند و عقل و تدبیر بهکار برد و بر درجه فعالیتش بیافزاید.»(1)

یک ملت و جامعه برای اینکه با سایرین همسنگ و برابر باشد و بتواند آبادی و رونق کشور را فراهم نماید، بایستی در زیاد کردن نفرات بکوشد.

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 5.

استاد بدرالملوک بامداد سپس از نگاه جامعه شناختی به زن و نقش مادری پرداخته و با یک نگاه ملی و بسیار دقیق بهنقشهای مختلف و خاص مادر میپردازد. ایشان خانواده را سلول زنده اجتماع در نظر گرفته و جامعه مولد و پیشرفته را مرهون زن میداند. خانم بامداد بهدرستی به نقش مدیر در مدیریت جامعه اشاره نموده و سپس بین نقش مادری و مدیریت جامعه، چنین ارتباطی را قائل میشود:

«یک ملت و جامعه برای اینکه با سایرین همسنگ و برابر باشد و بتواند آبادی و رونق کشور را فراهم نماید، بایستی در زیاد کردن نفرات بکوشد. افزایش زایمان و کم شدن متوفیان نیز مربوط به اراده زن است. مادرها میتوانند به داشتن اولاد زیاد افتخار کنند و روش پرورش آنها را بیاموزند و بهکار برند. به علاوه تربیت طفل بهطوری که علاقهمند به آب و خاک خودش باشد، وظیفه اجتماعی هر مادر است.

این جمله در بسیاری از زبان ها جاری است که "زن حکمران خانه است" نمیدانم متوجه این نکته هم شدهاند که حاکم و فرمانروا تا لیاقت نداشته باشد، نمیتواند زمام حکمرانی را برای مدت طولانی در دست بگیرد.

حاکم مقتدر کسی است که در سایه کاردانی، اعتماد اشخاصی را که به فرمان او هستند جلب کند تا با میل و رضای خاطر اطاعت او را برخود واجب بشمارند.»9(1)

تربیت طفل به طوری که علاقه مند به آب و خاک خودش باشد، وظیفه اجتماعی هر مادر است.

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 7.

خانم بامداد سپس به نقش مادر در خانواده بازگشته و لازمه اثرگذاری مثبت مادر را در گرو اعتماد و اطمینان اعضاء خانواده به او میداند.

ایشان رفتار و توانمندی زن در محیط خانواده را عامل موفقیت او در مدیریت خانه و خانواده میداند، از اینرو خصلت شجاعت را بهعنوان توانمندی و متین بودن را یک اصل اساسی برای شخصیت یک زن مطرح مینمایند.

به فرمایشات ایشان در این مورد توجه فرمایید:

« اطمینان خاطر وقتی حاصل میشود که خیرخواهی و عقل و فراست از تمام اعمال زن نمایان باشد.

از کسی کار بیش از قوه نخواهد، از تشویق و قدردانی در موقع خود کوتاهی نکند و شجاع و متین باشد.»(1)

مرحومه بامداد در ادامه به صراحت وارد موضوع حیاء میشود و جدیت و خویشتنداری یک مادر را در تربیت فرزندان و اداره خانواده رمز موفقیت او ترسیم میکند.

به عین جملات ایشان توجه فرمایید:

«مادر هیچوقت خونسردی را از دست ندهد تا سخنانش در قلبها تأثیر بکند.

چنین زنی را میتوان به منزله کانون خانواده دانست که همه از او طراوت و روشنی کسب میکنند و پروانهوار به دورش جمع شده از صمیم قلب دوستش دارند.»(2)

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 8.
2- همان. همانجا.

برای تربیت فرزندان جدی باشید و تا ممکن است وسایل آنرا فراهم کنید. خودتان را سرمشق زنده و عملی برای آنها قرار دهید.

شاید اوج فرمایشات استاد بامداد را در باب چگونگی رفتار مادر و نحوه تربیت فرزندان را در این مطلب میتوان دید که میفرمایند:

«برای تربیت فرزندان جدی باشید و تا ممکن است وسایل آن را فراهم کنید. خودتان را سرمشق زنده و عملی برای آنها قرار دهید. حس مسئولیت در همه ایجاد کنید تا هیچکدام نخواهید گناه را به گردن دیگری بیندازید و بالعکس. هر یک از شما خود را در همه کار مسئول بدانید. همگی خداشناس و مایل به خدمات اجتماعی باشید و به شرافت خانواده اهمیت بدهید.»(1)

همگی خداشناس و مایل به خدمات اجتماعی باشید و به شرافت خانواده اهمیت بدهید.

خانم بامداد با نگاهی دقیق و بسیار کارشناسی به چند وظیفه اصلی مادر در تربیت فرزندان اشاره مینمایند:

1. الگو بودن نقش مادر برای فرزندان.

2. ایجاد حس مسئولیت در فرزندان.

3. مسئولیت ویژه مادر در مقابل رفتار فرزندان.

4. تشویق، تربیت و پرورش فرزندان در محیط خانواده به منظور خدمت به اجتماع.

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 11.

5. رسیدگی به امور دینی و اعتقادات و تربیت فرزندان در راستای پایبندی به ارزشهای اسلامی.

بانو بدرالملوک بامداد در پایان بحث بهعنوان یک مادر، همه مادران این سرزمین را مورد خطاب قرار داده و از ایشان میخواهد به تربیت فرزندان، خصوصاً دختر خانمها، اهتمام ویژهای داشته باشند و در باب حیاء و شرافت زن در خانواده میفرمایند:

«یک لحظه بیاختیاری موجبات لغزش را فراهم میکند و در دنبال آن خطاهای بسیار، خواه و ناخواه عرضاندام مینماید و نامخانوادگی آن یادگارهای شوم را در پیرامون خود جمع کرده نگاه میدارد.

طوریکه هر وقت آن اسم بر زبان جاری شود، سبب تداعی آن خاطرات برمیگردد. بنابراین موجباتیکه از حیثیت و شرافت یک تن میکاهد کسر شأن و بدنامی کسانی که به آن نام خوانده میشوند فراهم میکند.

نام خود را با نیکی و افتخار توأم کنید تا سایرین از داشتن آن شرمنده نباشند و چون در آینده میخواهید مادر یا پدر شوید، شرافت مقام خود را حفظ کنید، برای لذتهای ناپایدار، سعادت جاودانی را پشت پا نزنید.»(1)

یک لحظه بیاختیاری موجبات لغزش را فراهم میکند و در دنبال آن خطاهای بسیار، خواه و ناخواه عرضاندام مینماید و نامخانوادگی آن یادگارهای شوم را در پیرامون خود جمع کرده نگاه می دارد.

1- بامداد. بدرالملوک. خانه داری. ص 17.

مادران گرامی با توجه به توضیحات ارائه شده، دانستیم هرچه یک شخص قدرت عمل و توانمندی بیشتری داشته باشد، انتظار میرود اثربخشی و مسئولیت بیشتری نیز داشته باشد.

بنابراین در مقام مقایسه آنچه در باب تربیت فرزندان، اعم از گفتار و رفتار والدین صادر میشود به طریق اولی، مادر جایگاه تعیین کننده تری دارد؛

لذا انتظار میرود مادران گرامی در خصوص تربیت آمیخته به حیاء در کودکان و نوجوانان، خصوصاً فرزندان دختر، اهتمام و دقت بیشتری را مبذول دارند.

ص: 97

ص: 98

ص: 99

بخ_ش ششم:س_ؤالات با اهمی_ت پی_رامون ح_جاب

دلایل بدحجابی در جامعه امروزی کشور ما چیست؟

اشاره

موضوع بدحجابی دارای دلایل گوناگونی است که بهطور خلاصه به بیان بعضی از آنها میپردازیم:

1. ضعف غیرت درخانواده:

حراست و حفظ کیان خانواده وظیفه والدین، خصوصاً پدر خانواده است. اما متأسفانه در بعضی خانوادهها، والدین و به طور اخص پدر، نسبت به مسائل تربیتی فرزند و همسر خود کم توجه بوده، لذا موضوع لباس و پوشش را امری سلیقهای یا حتی شخصی تلقی مینمایند.این قصور توسط پدر خانواده به مرور زمان باعث عادیشدن حس بی مسئولیتی در انجام وظایف پدری میگردد و تبعات جبران نشدنی را برای شخص پدر و شخصیت اعضاء خانواده و در انتها برای اجتماع به بار خواهد آورد.

حراست و حفظ کیان خانواده وظیفه والدین، خصوصاً پدر خانواده است.

2. جلب توجه دیگران:

بعضی از دختران یا پسران جامعه، بر اثر بیتوجهی یا کمتوجهی والدین، دچار نوعی عقدههای شخصیتی شده و تلاش میکنند تا به هر وسیلهای خود را در معرض دید عموم قرار دهند تا شاید بتوانند نظر دیگران را جلب نموده و مورد تحسین آنها قرار گیرند. لازم است به این دسته از افراد یادآوری شود که انسانهای شریف و تأثیرگذار اجتماع، هرگز بهخاطر ظاهر ناهنجار کسی، نظرشان جلب نشده و واکنش تحسینبرانگیزی نشان نخواهند داد؛ بلکه تظاهر به بدحجابی همیشه برای افراد ناهنجار اجتماع، جالب و مورد پذیرش است.

3. مدگرایی:

بعضی از دختران سادهاندیش با رواج هرگونه مد، رنگ و لباس، بلافاصله خود را با آن هماهنگ نموده و هرگونه فکر و اختیار را از خود سلب میکنند و اجازه میدهند دیگران، خصوصاً بیگانگان، برای آنها مشخص کنند که چه بپوشند! غافل از اینکه مدیریت مد، نه بر اساس زیبایی و نیاز بانوان و آقایان، بلکه براساس چرخه درآمدزایی تولید کننده لباس تنظیم شده است. لذا به این دسته از عزیزان توصیه میکنیم ارزش و مقام والای انسانی خود را تقدیم لبخند زهرآگین سوداگران فرهنگ غرب نکنند.

4. ضعف حیاء:

در این خصوص، مفصل توضیح داده شده است.

5. پل زدن برای ازدواج:

بعضی از دختران جامعه ما اینطور فکر میکنند که اگر بتوانند نظر بعضی

از پسران را به خود جلب کنند، مسیر ازدواج را زودتر میتوانند طی کنند و فرد مورد علاقه خود را بیابند.

خانمها لطفاً خود را مانند کالای تجاری در ویترین شهر قرار ندهید.

باید به این دسته از دوشیزگان یادآوری نمود که محل یافتن پسری که لایق ازدواج باشد، خانه و خانواده اوست نه خیابان!

روابطی که در خیابان شکل میگیرد، در اکثر مواقع در خیابان نیز به اتمام میرسد. ضمناً اگر پسری به صرف ظاهر و زیبایی یک دختر بخواهد با او ازدواج کند، چه تضمینی وجود دارد که در آینده با دیدن فردی زیباتر از همسرش مجدداً به زندگی خود ادامه دهد؟! یا اینکه همسر خود را همانند روزهای قبل دوست داشته باشد؟! لذا خود را مانند کالای تجاری در ویترین شهر قرار ندهید.

6. فخرفروشی و نیاز به توجه:

اگر فخرفروشی را نوعی بیماری شخصی تلقی نکنیم، قطعاً میتوانیم آن را نوعی رذیلت اخلاقی به حساب آوریم. افرادی که با استفاده از لباسهای بدننما، اندام و زیبایی خود را بهرخ دیگران میکشند یا تلاش میکنند به دیگران القاء نمایند که رعایت هنجارهای جامعه را برای خود بیاهمیت میشمارند از لحاظ اخلاقی و شخصیتی از سلامت مناسبی برخوردار نیستند؛ چراکه با نمایش امور خلاف اخلاق، سعی در دیده شدن دارند.

لازم به ذکر است، این افراد بهدنبال احترام اجتماعی نبوده، بلکه بهدنبال کسب ترحم دیگران نسبت به خود هستند.

7. سرزنش کردن:

متأسفانه یکی از دلایل گسترش بدحجابی، تشویق افراد محجبه به بیحجابی است. به این جملات دقت کنید:

- توی این گرما با چادر نمیپزی؟!

- وای!!! حیف نیست با این صورت مثل ماهت اینجوری رو گرفتی؟!

- مگه پیرزنی که چادر سرت کردی؟!

- وا!!! مگه کی اینجاست اینجوری چادر چاقچول کردی؟! خودمونیم دور هم!!!

تمامی جملات فوقالذکر که توسط افراد بدحجاب به دیگران گفته میشود، مانند سمی است که میتواند روح و جسم فرزند و همسر ما را مسموم کند.

لذا سعی کنیم نهتنها از این جملات بهکار نبریم، بلکه گوینده این جملات را نیز راهنمایی کنیم تا مانع تکرار سخنان او شویم.

8. وسوسههای شیطان:

بدحجابی میکوشد نسبت به هنجارهای اجتماعی بیتفاوت باشیم.

بعضی مواقع شیطان، دشمن قسم خورده انسان، در دل ما وسوسه ایجاد نموده و با بزرگنمایی زیبایی یا کوچک کردن و ناچیز شمردن بدحجابی، میکوشد ما را گستاخ نموده تا نسبت به این هنجار اجتماعی بیتفاوت باشیم.

نیکوست بدانیم در قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره شده است؛ بهنحوی که شیطان میکوشد اعمال و رفتار غلط را زیبا جلوه دهد:

﴿... وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيطانُ اَعمالَهُم فَصَدَّهُم عَنِ السَّبيلِ فَهُم لا يَهتَدُونَ﴾

... و شیطان اعمالشان را برای آنها آراسته و آنها را از راه [راست] بازداشته است. از اینرو آنها هدایت نمییابند.(1)

9. هوسرانی:

هوسرانی هرچند درصد ناچیزی از دلیل بدحجابی جامعه را تشکیل میدهد، اما باید توجه داشت که بعضی افراد منحرف و ناهنجار جامعه برای تأمین منابع مالی خود، از هیچ اقدامی کوتاهی ننموده و حتی به شرافت خود نیز رحم نمیکنند.

لذا والدین عزیز به این موضوع دقت فراوان داشته باشید تا خدای ناکرده، فرزند شما با مشاهده رفتار یا شنیدن صحبتهای فریبندهٔ اینگونه افراد، تحت تأثیر آنها قرار نگیرد و نسبت به حجاب و عفاف بیتوجه نشود.

10. ضعف ایمان:

اعتقاد به مقدسات دینی، همیشه مانع از هنجارشکنی بوده و رعایت مسائل دینی میتواند هر فردی را در زندگی خصوصی و اجتماعی، به درجه بالایی از موفقیت برساند.

البته افراد جامعه از یک سطح تدین برخوردار نبوده و خود را ملزم به رعایت همه نکات و دستورات خداوند متعال نمیدانند؛ لذا برای خود تخفیفاتی را قائل میشوند.

بعضی از آنها با رعایت بسیاری از دستورات واجب و مستحبی که انجام

1- نمل /24

میدهند، متأسفانه حجاب، این دستور الهی را تخفیف داده و به آن اهمیت چندانی نمیدهند که نشانه ضعف ایمان آنها نسبت به فرمایشات خداوند متعال در قرآن کریم است.

11. آزار مردان:

در متون گذشته توضیح دادیم که همه افراد جامعه از نظر روحی و شخصیتی سالم نیستند و بعضی از آنها بیمارند و خود نیز از بیماری خود اطلاعی ندارند.

بعضی زنان با بدحجابی قصد اذیت و آزار مردان را دارند که شاید ناشی از حس انتقام یا دلایل دیگر باشد، اما به هرحال، اثر زیانبار خود را در جامعه بروز داده و موجب رواج ناهنجاری اجتماعی میگردد.

بهنظر این حقیر، اینگونه افراد باید قسمتی از بیماران جامعه تلقی شده و نسبت به مداوای آنان اقدام نمود!

12. خانوادۀ سهل انگار:

در بعضی مواقع، والدین مماشات نابجایی را نسبت به فرزندان از خود نشان میدهند که اثرات مخرب آن سالیان سال ادامه خواهد داشت.

والدین عزیز! حجاب امری تشریفاتی نیست که شما در بعضی از مواقع از آن چشمپوشی کنید. جمله «حالا این یکبار عیبی ندارد!!!»، نشانگر این است که ما بهراحتی یک موضوع عقلی و حتی امر الهی را تعطیل مینماییم. رعایت حدود الهی موجب تقویت کیان خانواده شده و شرافت فرزندان ما را موجب خواهد شد؛ لذا نسبت به حفظ حریم خانواده جدی و مسئول باشیم.

والدین عزیز! حجاب امری تشریفاتی نیست که شما در بعضی از مواقع از آن چشم پوشی کنید.

13. عدم سیاستگذاریهای فرهنگی مناسب، توسط مدیران فرهنگی کشور:

توضیح این بخش را انشاءالله به اطلاع متولیان امر خواهم رساند تا مفیدتر واقع گردد!!

14. ماهواره:

اشاره

در موضوع ماهواره و اثرات مثبت و منفی آن، بسیار گفته شده و نظرات مختلفی نیز ارائه گردیده است که قصد تکرار آن را نداریم؛ اما ذکر چند نکته خالی از لطف نیست.

* آیا برنامه های ماهواره، صرفاً تفریحی بوده و اثرات دیگری ندارد؟!

* آیا متولیان اداره برنامههای ماهواره، بدون قصد و نیت خاصی و صرفاً جهت شادی مردم ایران، با هزینههای گزاف اقدام به ساخت و پخش برنامه میکنند؟!

* آیا برنامههای در حال پخش ماهواره، شباهتی با زندگی روزمرۀ مردم کشور ما دارد؟!

بهراستی تا بهحال به سؤالهای یاد شده فکر کردهاید؟ آیا تمام زندگی در تفریح و خرید و رقص خلاصه میشود؟! ترویج بی حجابی، عادیسازی روابط خارج از روابط زناشویی، ترویج بیبند و باری، عادیسازی دوستی زن و مرد و ...، آیا همۀ اینها اتفاقی است؟

هرگز چنین نیست! برنامهسازان ماهواره میکوشند با هدفگیری قداست خانواده و تمامی ارزشهای خانواده، موجب نابودی آن شده و خانواده مورد تعریف خود را جایگزین آن کنند.

به تعریف های جدید آنها از خانواده دقت کنید: ازدواج مرد با مرد، ازدواج زن با زن، فرزنددار شدن بانوان توسط بانک اسپرم، ازدواج با حیوانات و ... . امروزه ماهواره میکوشد با ارائه برنامه های خود، نقش فاتح سرزمین های جدید

را برای دولتهای غربی اجرا نماید؛ لذا قدری بیاندیشیم و تصمیم عاقلانه بگیریم.

علل تبلیغ بدحجابی در ایران، توسط متولیان فرهنگ غربی چیست؟

برای ایجاد جامعهای که بتوان آن را با انواع رسانه و از راه دور کنترل نمود، لازم است تا افراد آن جامعه روابط خود را براساس غریزه پایهریزی نمایند و نه براساس منطق و باورهای دینی.

برای شروع تسلط و اداره جوامع (استعمار نوین) بهترین راه این است که مهمترین غریزۀ انسان، یعنی غریزه جنسی را بدون کنترل در سطح اجتماعی فعال نموده و به گسترش آن دامن بزنند.

البته مقدمه اینکار، ترویج بدحجابی و اختلاط زن و مرد است؛ بنابراین موضوع بدحجابی در عصر حاضر، بیش از آنکه موضوعی مذهبی یا یک ناهنجاری اجتماعی باشد، موضوعی ملی است؛ چراکه با ادامه روند سهلانگاری در امر حجاب و پوشش و مبتلا شدن به تبعات ناگوار بدحجابی، عملاً باخت و تسلیم فرهنگ ملی کشور در مقابل فرهنگ غرب بهوجود خواهد آمد و این دقیقاً مطابق خواسته متولیان فرهنگ غرب است.

برای شروع تسلط و اداره جوامع (استعمار نوین) بهترین راه این است که مهمترین غریزۀ انسان، یعنی غریزه جنسی را بدون کنترل در سطح اجتماعی فعال نموده و به گسترش آن دامن بزنند. البته مقدمه اینکار، ترویج بدحجابی و اختلاط زن و مرد است.

برای درک بهتر این موضوع، میتوان به بعضی کشورهای آسیای شرقی اشاره

نمود که علیرغم پیشرفتهای علمی و صنعتی، متأسفانه فرهنگ بومی خود را از دست دادهاند و در صحنهٔ بین المللی، قسمتی از فرهنگ غرب بهشمار رفته و استقلال تصمیمگیری در جهان پیرامون خود را از دست دادهاند.

نکته !!!

دلایل عدم وجود مجسمههای برهنه در ایران باستان، چه بوده است؟

از دوره ایلامیان، یعنی از حدود سه هزار سال قبل از میلاد حضرت مسیح تا زمان فعلی، فرهنگ سرزمین ما ایرانیان با حیاء و حجاب آشنا بوده و بخشی از قوانین اجتماع نیز برمبنای آن وضع گردیده است.

در ایران زمین هیچگاه برهنه گری و اختلاط زن و مرد مرسوم نبوده و ارزشمند تلقی نمیشده؛ لذا اثر باستانی این چنینی نیز برای عموم تهیه نگردیده است.

به مطلب ساده اما قابلتأمل ذیل دقت فرمایید:

سخنان زرتشت پیامبر:

«ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را بهیاد بسپارید و با غیرت در پی زندگانی پاکمنشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیشدستی جوید تا این زندگانی سپند زناشویی را با شادی و خرمی به پایان رسانید.»(1)

در این صحبت کوتاه زرتشت پیامبر، نکات زیادی نهفته است که به دو نکته از آن اکتفا میکنیم:

1- ایشان محافظت از زندگی و حفظ آنرا، هم به زن و هم به مرد، مربوط میداند؛ یعنی مسئولیت یکسانی را در حفظ زندگی مشترک تعریف

1- یسنا 53، بند5.

مینمایند و این بدین معناست که زن در زندگی جایگاه و اهمیتی همچون مرد داشته و در مقابل خود و خانواده مسئول است.

2- پاکمنشی بهمعنی رعایت عفت و حیاء را لازمه زندگی دانسته و برای آن نقش بهسزایی را قائل شدهاند؛ بهنحوی که بعد از قید این موضوع، بحث کردار نیک و مهرورزی را بیان میدارند.

ما ملت ایران به عفاف و متانت و حیاء مفتخر بوده و آنرا جزء لاینفک تمدن فاخر خود میدانیم.

این سخنان مربوط به هزاران سال پیش بوده و ساختار تمدنی آن روز ما را بیان میدارد که حیاء و رعایت عفت عمومی از چه ارزش والایی برخوردار بوده است.

حال میتوان اینگونه به این سؤال پاسخ داد که تمدنی که از هزاران سال قبل از میلاد مسیح حیاء و عفاف از شاخصهای آن بوده و بعد از ورود اسلام به جامعه ایران آنرا مورد تأیید قرار داده است، چگونه میتواند پیشینهای از بیحیایی داشته باشد؟! ما ملت ایران به عفاف و متانت و حیاء مفتخر بوده و آنرا جزء لاینفک تمدن فاخر خود میدانیم.

علل تأکید بر حجاب و پوشش ظاهری چیست؟

بعضی از والدین معتقدند که مهم ذات انسان است و اینکه انسان باید دلی پاک و قلبی با حیاء داشته باشد و ظاهر انسان چندان مهم نیست.

چراکه شخصیت هر انسانی به خصلتهای درونی او وابسته است که البته این مطلب کاملاً صحیح بوده و قابل درک میباشد. اما نمیتوان گفت به دلیل مهم بودن و اهمیت سلامت قلب و روان انسان، بحث ظاهر او کاملاً بی اهمیت است.

1- مهم بودن نقش قلب و پاکی نفس، امری است مهم و حیاتی اما آیا اهمیت دادن به آن، دلیل بر بیاهمیتی به دیگر امور زندگی است؟! اگر ما به آموزش و مسائل تربیتی فرزند خود اهمیت میدهیم، آیا دلیل بر این است که از توجه به امور بهداشتی و تغذیه او چشمپوشی میکنیم؟! قطعاً اینطور نیست و لذا مقایسه این دو، دلیل بر حذف دیگری نیست.

2- منظور ما از قلب در این جملهٔ پرمعنی، نفس و شخصیت پنهان و آشکار انسان است. حال سؤال این است که آیا خود قلب و شخصیت، نیاز به حفظ و نگهداری دارد یا نه؟ آیا میتوان نسبت به پاسداشت آن بیتوجه بود؟ اصولاً حفظ قلب و شخصیت چگونه میسر است؟ طبیعی است که وقتی ما موضوعی را در پیشفرض خود مهم قلمداد میکنیم، باید حفظ و حراست از آنرا نیز بپذیریم، لذا در پاسخ میگوییم، بله! قلب و شخصیت انسان نیز باید محافظت گردد.

در پاسخ به این سؤال که حفظ سلامت قلب و شخصیت، چگونه میسر است؟ باید گفت برای محافظت از قلب، باید نسبت به راههای نفوذ به آن مراقبت نمود. شاهراه نفوذ به قلب، دیدن و شنیدن است؛ لذا باید نسبت به آنچه میبینیم و آنچه میشنویم دقیق بوده و مراقب خود باشیم.

چهبسیار قلبهایی که با یک نگاه لرزیده و از دست رفتهاند و چهبسیار دلهایی که با یکنظر، تا انتهای زندگی بیقرار شدهاند. بودهاند انسانهای شریف و محترمی که براثر بیتوجهی به آنچه میدیدهاند و آنچه میشنیدهاند، دلباخته شده و به یکباره همهچیز خود را باختهاند!

چهبسیار زندگیهای خوب و صمیمی که براثر بیمبالاتی یکی از زوجین، از هم پاشیده شده و هرگز محل بهبود نداشته است! حال چطور میتوانیم هرطور که دوست داریم بپوشیم و صحبت کنیم؟! دیگران چه خواهند دید و چه خواهند شنید؟!

البته ما نیز قسمتی از دیگران هستیم، پس شایسته است که نه دلی را به ظلم و زیادهخواهی بلرزانیم و نه با نگاه بدون کنترل خود، موجب بیماری روح و قلب و شخصیت خویش شویم.

مثال:

همهٔ ما در مواقعی که با اضافه غذا روبرو میشویم، در صورتی که بخواهیم بار دیگر از باقیمانده آن استفاده کنیم، حتماً شرایطی را مهیا میکنیم تا اسراف نشود. آیا بهمراحل نگهداری آن دقت کردهاید؟ غذا را در ظرف دربسته ریخته و آن را در یخچال یا فریزر نگهداری میکنیم! چرا از ظرف دربسته استفاده میکنیم؟ چون اولاً موادغذایی بر اثر تماس با محیط یخچال بوی خود را در یخچال پخش نکنند.

دوم اینکه ماده غذایی ما بوی یخچال و دیگر موادغذایی را نگیرد. حال سؤال اینجاست که ما برای محافظت از سالم ماندن مقداری ماده غذایی، از پوشش مناسب استفاده میکنیم، چطور میتوانیم نسبت به حجاب و پوشش خود بیتوجه باشیم؟!

مثال:

بسیاری از ما، برای محافظت از تلفن همراه خود از محافظ و پوشش استفاده میکنیم؛ خصوصاً اگر دارای شرایط کاری پرتحرک یا پرخطر باشیم، نسبت به این امر توجه خاصی نشان میدهیم. چراکه پذیرفتهایم از وسایل گرانقیمت خود باید محافظت بیشتری داشته باشیم.

حال یک سؤال ساده؛ آیا شخصیت خودمان را با ارزش تصور میکنیم؟ آیا خود ما، زن و مرد، دختر و پسر، میتوانیم در اجتماع بدون پوشش مناسب حضور داشته باشیم؟ آیا همه افراد اجتماع بی خطر هستند؟ آیا شرط عقل نیست

که از خود در مقابل دیگران محافظت کنیم؟ آیا میتوان پذیرفت به فکر پوشش و محافظ برای تلفن همراه هستیم، اما نسبت به پوشش خود بیتوجهایم؟ قطعاً نه! پس ... .

چگونه حجاب را برای فرزندان پسر تبیین کنیم؟

برای پاسخ به این سؤال، کافی است از فرزند خود بخواهیم به دو نکته توجه کند:

* پوشیده بودن بدن را قسمتی از شخصیت خود بداند.

* در هر محلی، از لباس مخصوص همان مکان استفاده کند. (خانه، استخر، میهمانی، خواب و ... .)

چگونه حجاب را برای فرزندان دختر تبیین کنیم؟

برای فرزندان دختر نیز رعایت سه نکته بسیار کارساز خواهد بود:

* لباس میتواند پوشیده و همچنین زیبا باشد.

* نحوه لباس پوشیدن ما، در چگونگی احترام گذاشتن دیگران نسبت به ما بسیار تأثیرگذار است.

* نمایش زیبایی صورت یا اندام در جامعه، نشانگر اعتمادبهنفس ضعیف فرد است که ارزش خود را فقط در زیبایی می بیند.

والدین گرامی و عزیز!

پدران و مادران آینده این سرزمین، هماکنون در خانه و خانوادۀ ما در دوره کودکی بهسر میبرند؛ البته فعلاً!

تربیت فرزند، امری زمانبر خواهد بود. برای تربیت عزیزانمان از ابزارهایی مثل تشویق، تنبیه، نصیحت، مسئولیت دادن، معرفی الگو و ... استفاده میکنیم. اما باید بدانیم آموزش، نقش والایی در این امر دارد. کودکان ما همیشه نیازمند آموزش و یادگیری هستند.

هرچند موضوع حیاء امری فطری و ذاتی تلقی میگردد، اما نحوۀ بروز و حد و حدود آن، نیاز به آموزش دارد. کوشیدیم در کتاب حاضر، بهطور خلاصه و مفید، کمک حال شما والدین عزیز باشیم تا در امر تربیت فرزند خود هرچه بهتر موفق باشید؛ انشاءالله. و اما در پایان:

باور داشته باشیم حیاء، قسمت مهمی از شخصیت هر انسان شریفی است.

* در خصوص حمایت و حفاظت از فرزندانمان، بکوشیم والدین وظیفه شناسی باشیم.

* پدران و مادران آینده این سرزمین، هماکنون در خانه و خانوادۀ ما در دوره کودکی بهسر میبرند؛ البته فعلاً!

* باور داشته باشیم حیاء، قسمت مهمی از شخصیت هر انسان شریفی است.

* حیاء یک نمای ظاهری دارد که به آن حجاب می گویند.

* باطن حیاء نیز متانت است.

* عموم مردم، انسان باحیاء را از شخص ترسو تشخیص میدهند؛ لذا با حیاء بودن نشانه ترسو بودن نیست!

* به آنچه میشنویم و میبینیم، بیشتر توجه کنیم.

* کالای بازرگانان فرهنگ بیگانه، چیزی جز بیعفتی، گسست خانواده و برانگیخته شدن (افراطی) حس تنوعطلبی نیست؛ بکوشیم مشتری این سوداگران نباشیم.

* آنچه آموختهایم را به دیگران نیز بیاموزیم.

* موفقیت فردی و اجتماعی افرادی که عفت خود را رعایت میکنند، چه زن و چه مرد، قابلمقایسه با دیگران نیست!

کالای بازرگانان فرهنگ بیگانه، چیزی جز بیعفتی، گسست خانواده و برانگیخته شدن (افراطی) حس تنوعطلبی نیست؛ بکوشیم مشتری این سوداگران نباشیم.

منابع

- سعدی، مصلح الدین عبدالله، کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ اول: شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه، تهران 1386.

- بامداد، بدرالملوک، خانه داری، چاپ پنجم: چاپخانه شرکت مطبوعات، تهران 1331.

ص: 116

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109